

چکیده

اختلافات گوناگون میان کشورهای منطقه خلیج فارس و نیز دخالت قدرتهای بزرگ جهانی سبب شده است که تاکنون یک نظام مؤثر امنیتی در این منطقه شکل نگیرد. مقاله حاضر با بررسی سیاستهای ایران برای تأمین امنیت خلیج فارس و نیز سیاستهای آمریکا و کشورهای عربی در قبال ایران، نشان می‌دهد که تلاش تهران همواره در جهت گسترش روابط با کشورهای همسایه و پدید آوردن نوعی نظام امنیت دستجمعی بوده است، اما برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تاکنون از پذیرش جایگاه واقعی ایران خودداری کرده‌اند، به ویژه آمریکا همچنان مایل به تداوم سیاست مداخله‌گرایی از راه حضور نظامی و مقابله با ایران است. چنین سیاستی، احتمال وقوع درگیری را در منطقه خلیج فارس افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: منطقه خلیج فارس، سیاست منطقه‌ای ایران، سیاست خارجی آمریکا،

شورای همکاری خلیج فارس، مداخله‌گرایی، امنیت منطقه‌ای

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

کشورهای عضو نظام فرعی خلیج فارس^۱ با بیش از ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت و مساحت خشکی حدود ۴۸۹۸ هزار کیلومتر مربع، دارای بخش بزرگی از منابع انرژی جهان بوده، بر راههای تجاری و آبراههای بین المللی راهبردی نظارت دارند. در این منطقه غنی به لحاظ منابع طبیعی راهبردی شاهد نابرابری آشکار در آمد و ثروت بوده ایم، به گونه ای که در سال ۲۰۰۳ درآمد سرانه امارات متحده عربی معادل ۲۲۴۲۰ دلار، در مقایسه با درآمد سرانه ۸۸۹ دلاری یمن بود. بر مبنای آمارهای گزارش توسعه انسانی در برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ که در جدول دو ارایه شده، قطر با ارزش شاخص توسعه انسانی^(۱) معادل ۰/۸۴۹، رتبه ۴۱ را در جهان در بین ۱۷۷ کشور از آن خود ساخته بود. در مقایسه، یمن با ۰/۶۱۶ سال امید به زندگی، ۴۹ درصد نرخ باسوادی بزرگ سالان و شاخص توسعه انسانی معادل ۰/۴۸۹ در همان سال، رتبه ۱۵۱ را در جهان به خود اختصاص داد. برای موفقیت نظام امنیت منطقه ای باید ایران، عراق و یمن در هر نوع ترتیبات ویژه امنیتی در خلیج فارس مشارکت داشته باشند، اما حکومتهای عرب منطقه در مورد عضویت این سه کشور در شورای همکاری خلیج فارس دیدگاههای متفاوتی دارند. در دو سال گذشته، بحثهایی پیرامون ورود یمن به این شورا مطرح شده است. در سال ۲۰۰۴، وزیر کشور عربستان سعودی شاهزاده نایف بن عبدالعزیز بیان داشت: «ما از پیوستن یمن به شورای همکاری خلیج فارس جلوگیری می کنیم»؛ زیرا به نظر وی یمن کشور خلیج فارسی نیست. عبدالله بن زاید آل نهیان، وزیر اطلاعات امارات، نیز در همان زمان ادعا کرد که «یمن هنوز برای پیوستن به شورای همکاری خلیج فارس واجد شرایط نیست»^۲ با وجود این بیانیتهای منفی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی اجازه مشارکت یمن را در بسیاری از فعالیتهای این شورا داده بودند.^۳ مسئله عضویت دو کشور سواحل شمالی خلیج فارس به ویژه تنها کشور غیرعرب منطقه، ایران، در شورا هنوز مطرح نیست. یکی از دلایل این امر مخالفت قدرتهای بزرگ با دعوت ایران در نظام امنیت منطقه ای است که در ۱۹۸۱ به منظور مقابله با جمهوری

1. Human Development Index

اسلامی ایران و رژیم بعثی عراق با کمک مستقیم آمریکا و هم پیمانهایش ایجاد شد. از لحاظ توسعه سیاسی، کشورهای عرب منطقه در زمره سنتی ترین نظامهای سیاسی در جهان به شمار می آیند. در شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، حکومتهای پادشاهی و خلیفه ای ده ها سال و بلکه قرنها ادامه داشته اند. خانواده آل سعود موضع قدرتش را در دوره ۳۴-۱۹۰۲ مستحکم نمود؛ آل خلیفه در ۱۷۸۳ در بحرین به قدرت رسید؛ آل ثانی در ۱۸۷۸ در قطر زمام امور را به دست گرفت؛ آل سعید در اواسط قرن هجدهم در عمان به قدرت رسید؛ آل صباح در قرن هجدهم در کویت به حاکمان مورثی تبدیل شدند؛ و اعضای خانواده های امیرنشین امارات متحده عربی در سالهای متفاوتی در قرن نوزدهم قدرت حکومتی را به دست آوردند. البته نشانه هایی از ناامنی و بی ثباتی در این کشورها دیده شده است؛ حملات تروریستی علیه منافع آمریکا که گاهی در منطقه رخ داده و منجر به کشته شدن شماری از شهروندان عرب خلیج فارس در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی شد، کودتاهای نافرجامی در عربستان سعودی در دهه ۶۰ میلادی و در بحرین در ۱۹۸۱ رخ داد، در سالهای ۹۶-۱۹۹۴ شورشها و تظاهراتی علیه دولت بحرین به وقوع پیوست که به کشته شدن و دستگیری صدها بحرینی انجامید. با وجود این، این دولتها همچنان برجای باقی مانده اند. در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی تحلیلگران سیاسی نمی دانستند که این شش دولت عرب می توانند از موج ملی گرایی عربی که به سرنگونی حکومتهای پادشاهی در مصر، لیبی و عراق انجامید و دولتهای جدیدی را در سوریه و الجزایر بر سر کار آورد، جان سالم به در خواهند برد. دولتهای سنتی خلیج فارس برای بقای خود، ترکیبی از شش راهبرد را به کار برده اند: اقدامات تفرقه انداز و حکومت کن، انعطاف ایدئولوژیک، دستگاههای امنیتی قدرتمند، سهیم کردن مخالفان احتمالی خود در منافع، مشارکت محدود، و دیپلماسی سازش کارانه. یکی از مهم ترین گله های شهروندان نشان نبود مسئولیت پذیری دولت است، که به نوبه خود به سوء استفاده از قدرت و فساد گسترده منجر می شود. تصمیم گیریهای عمده از سوی شمار اندکی که بر مبنای اصل موروثی و نه شایستگی فردی صاحب مقام و قدرت شده اند، صورت می گیرد. تمام مناصب مهم که نظارت بر مالیه، امنیت داخلی و نیروهای نظامی را برعهده

دارند، به اعضای خاندان سلطنتی یا افراد نزدیک به آنان سپرده شده است. بسیاری از مردم نظامهای سیاسی خود را به دلیل نفوذ بیش از حد خاندان حاکم منحصر به فرد تصور می کنند. گروههای مخالف خاندان آل خلیفه در بحرین، دولت خود را دیکتاتوری قبیله ای، نامیده اند. در عربستان سعودی و بحرین، مردم از ولخرجی ها و مصرف گرایی بی رویه اعضای خاندان حکومتی انتقاد دارند. در عربستان سعودی، بیش از ۲۰۰۰۰ شاهزاده از دولت ماهیانه هزارها تا میلیونها دلار حقوق دریافت می کنند. اعضای خاندان آل خلیفه در بحرین نیز به ولخرجی معروف بوده، در امور بازرگانی دولت به نفع خود دخالت می کنند. در هر دو کشور شهروندان شیعی مورد تبعیض قرار گرفته، و در عربستان سعودی که شیعیان به طور تقریبی ده درصد جمعیت را تشکیل می دهند، دولت مانع از ورود کتابهای مذهبی شیعی شده و این اقلیت مذهبی به جایگاه قدرت سیاسی و اقتصادی دسترسی ندارد. این دولتها مهارت چشمگیری در کاربرد نظارت اقتصادی برای حصول اطمینان از بقای خود داشته و ثروت نفتی به آنها اجازه می دهد تا اقتصاد را زیر نفوذ خود نگه دارند. در کویت و عربستان سعودی ۹۰ درصد از شهروندان برای دولت کار می کنند. در بحرین، عمان، قطر و امارات متحده عربی بسیاری از مردم دارای مشاغل دولتی هستند. خاندان آل صباح با خانواده های ثروتمند شیعی ارتباط نزدیکی برقرار کرده و با بخشهای خود حمایت آنها را به دست آورده اند. البته شیعیان عربستان سعودی نیز به طور کامل سرکوب نشده و از صحنه قدرت به طور کامل کنار گذاشته نشده اند. پس از تظاهرات ۱۹۷۹، خاندان آل سعود وجوه بیشتری را در اختیار جوامع شیعی قرار داد.^۴

از نظر امنیتی بسیاری از کشورهای خلیج فارس درگیر اختلاف و دعاوی مرزی و قلمرویی بوده اند؛ به طور مثال، از اختلافهای ایران و امارات متحده عربی، ایران و عراق، کویت و عراق، قطر و بحرین، قطر و عربستان سعودی، و عمان و عربستان سعودی می توان یاد کرد.^۵ با وجود اختلافهای بی شمار، کشورهای خلیج فارس دارای منافع مشترک دفاعی بوده، در تلاشند تا منطقه خود را امن و با ثبات نگه دارند. تجارت دریایی بخش بزرگی از میلیونها بشکه نفت خام و فرآورده های نفتی صادر شده به اروپا و ژاپن را دربر می گیرد. ارزش

اقتصادی راه‌های دریایی خلیج فارس برای مردم منطقه و نیز کشورهای صادرکننده منابع انرژی انکارناپذیر است. حدود ۳۰ درصد از تولیدات نفتی جهان در پایان ۲۰۰۴ از خلیج فارس سرچشمه گرفته و بیشتر آن نیز از راه دریا صادر شد.^۶ با وجود اهمیت راهبردی این آبراه اقتصادی حیاتی، نه کشور منطقه خلیج فارس که برخی از آنها در زمره کشورهای جزیره‌ای قرار دارند، مبادرت به توسعه توانایی دریایی قدرتمندی برای حضور در مسافتی دور از سواحل خویش نکرده‌اند. پس از خریداری زیردریایی‌های از نوع کیلو^(۱) از شوروی/ روسیه، بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با دیدی سرشار از سوء ظن و بدگمانی به اقدامات ایران نگرسته، آن را به عنوان کشوری که در صدد اجرای برنامه‌ای جاه طلبانه برای کسب توانایی دریایی لازم جهت گسترش قدرت ملی خود فراتر از منطقه مجاور سواحلش و تنگه هرمز است، شناسایی کردند. با مقایسه آمارهای موجود، ایران به طور آشکاری از قدرت دریایی بیشتر و با کیفیت بهتر در مقایسه با ۸ کشور دیگر منطقه برخوردار است. زمانی که قدرت کمی و کیفی نیروهای دریایی ایران با قدرتهای بزرگی مانند آمریکا، انگلستان و روسیه مقایسه می‌شود، باید نتیجه گرفت که حتی این قدرتمندترین نیروی دریایی منطقه‌ای با قدرتهای خارجی فاصله بسیار داشته و قادر نیست که در اقیانوسها و دریاهای دور از سواحل خلیج فارس در صحنه بین‌المللی به رقابت بپردازد.

سیاست آمریکا در خلیج فارس

در هفت دهه نخست قرن بیستم، انگلستان به عنوان برترین قدرت خارجی در خلیج فارس نظام امنیتی منطقه‌ای را ایجاد کرد که در آن با استفاده از رژیمهای دست‌نشانده ضعیف، نیروهای انگلیسی آماده در پایگاههای مهم، گماردن افسران انگلیسی در جایگاههای حساس حکومتی و نیروی دریایی قدرتمند مستقر شده در نزدیکی آبهای ساحلی، ثبات منطقه‌ای مطلوب قدرتهای خارجی حفظ می‌شد و هرگونه تهدید به وضع موجود کاهش می‌یافت. در پی خروج نیروهای انگلیسی در ۱۹۷۱، آمریکا مسئولیت دفاع از حکومتهای

1. Kilo Class

غرب گرا در خلیج فارس را بر عهده گرفت. با حضور نظامی پرهزینه آمریکا، واشنگتن کشورهای کوچک منطقه را در زیر چتر امنیتی خود قرار داد.^۷ از ۱۹۸۳ تا کنون، خلیج فارس در منطقه فرماندهی مرکزی آمریکا (سنت کام)^(۱) قرار دارد.^۸ نیروهای نظامی آمریکایی پس از پذیرش مسئولیت اسکورت نظامی کشتیهای کویتی در سالهای ۸۸ - ۱۹۸۷ علیه ایران، در ۱۹۹۱ علیه عراق برای آزادسازی کویت، در ۲۰۰۳ علیه رژیم صدام حسین در عراق، و از آن زمان تا کنون علیه نیروهای ضد اشغالگران در عراق درگیر بوده اند. به بهانه نابودی تسلیحات کشتار جمعی عراق، جورج بوش سربازان آمریکایی را درگیر جنگی پرهزینه ساخت و اکنون نیز سناریوهای حمله پیش گیرانه علیه مراکز هسته ای ایران در واشنگتن و اسرائیل مطرح می شود.

سیاست آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه بر سه اصل امنیت انرژی، امنیت اسرائیل و برقراری ثبات با حمایت از رژیمهای دوست استوار بوده است. در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، آمریکا برای مهار عراق و سایر کشورهای ضد غربی منطقه ای، با ایران متحد بود. در دهه ۸۰ میلادی، برای مهار ایران تا حدی از عراق حمایت کرد. در دهه ۹۰ میلادی، سیاست «مهار دو جانبه» را برای تضعیف ایران و عراق به اجرا در آورد. پایان جنگ سرد، اتخاذ سیاست مهار دو جانبه را برای مقابله با دو قدرت منطقه ای مخالف واشنگتن میسر ساخت. به گفته آنتونی لیک، یکی از حامیان سرسخت این سیاست: «آمریکادیگر مجبور نیست که نگران تلاشهای شوروی برای یافتن جای پای در خلیج فارس باشد. اهمیت راهبردی ایران و عراق به شدت کاهش یافته و توانایی آنان برای بازی گرفتن یکی از ابرقدرتها در برابر دیگری از بین رفته است.»^۹ البته خلیج فارس به طور جدی صحنه جنگ سرد شوروی - آمریکا نبود؛ زیرا این منطقه بیشتر منطقه نفوذ آمریکایی بود. در حالی که شوروی رابطه نزدیکی با عراق برقرار کرد،^{۱۰} اما هرگز نتوانست واقعاً به درون منطقه نفوذ کند. هم اکنون نیز حضور مستقیم روسیه در خلیج فارس بسیار کم است. شاید به این دلیل که مقامات روسی از اوایل دهه ۱۹۸۰ بر این باورند که با کناره گیری از رقابت شدید و فعال ژئواستراتژیک با آمریکا می توانند منافع

1. US Central Command (CENTCOM)

اقتصادی زیادی را نصیب خود سازند. با توجه به افزایش نفوذ آمریکا در حوزه نفوذ پیشین روس‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز، بالتیک و اوکراین، به نظر می‌آید که رابطه مسکو با سوریه و ایران دست کم برای چانه زنی بهتر با دولت آمریکا برای روسیه با اهمیت تر شده باشد. در دوران جنگ سرد، آمریکا با ایران و عربستان سعودی هم پیمان بود و نفوذ آمریکا یا انگلستان در شش کشور سواحل جنوبی خلیج فارس گسترده بود؛ زیرا این کشورها برای رفع تهدیدهای داخلی و مداخله شوروی به حمایت آمریکا نیاز داشتند. از سوی دیگر، می‌دانستند که وابستگی آشکار به نیروهای خارجی می‌تواند خشم و نفرت گروهی از مردم سنت‌گرا و یا همسایگان ضد غربی آنان را برانگیزد. شوروی نقش مستقیمی را در صحنه سیاسی منطقه ایفا نمی‌کرد، اما دولتهای دست‌نشانده و یا دوستش، مانند عراق، سوریه، مصر زمان عبدالناصر، و یمن جنوبی، تهدیدی امنیتی برای رژیمهای پادشاهی منطقه به شمار می‌رفتند. در پی جنگ اول آمریکا علیه صدام حسین، همه حکومت‌های عرب خلیج فارس موافقت کردند تا در کنفرانس مادرید ۱۹۹۱ شرکت کرده، برای نخستین بار با اسرائیل مذاکره رو در رو داشته باشند. عربستان سعودی و کویت علاقه کمتری به برقراری روابط با دولت یهودی از خود نشان دادند، اما چهار دولت دیگر برای عادی‌سازی روابط خود با دولت تل‌آویو اقداماتی را به انجام رساندند. البته این کشورها از ساف برای ایجاد یک دولت خودگردان در کرانه باختری و غزه، و سپس ایجاد دولت مستقل فلسطینی در پی مذاکره با اسرائیل حمایت می‌کردند. پس از کمک عرفات به صدام حسین علیه کویت در جنگ ۹۱ - ۱۹۹۰، این کشورها کمک مالی خود را به فلسطینی‌ها کاهش دادند.^{۱۱}

دولت بوش و نومحافظه‌کاران در ۲۰۰۷، سیاست آمریکا را بر مبنای معادلات گذشته به جای تاکید بر چالشهای آینده طرح‌ریزی کرده‌اند. اگر هدف واقعی آمریکا از ایفای نقش قدرت بزرگ حامی امنیت خلیج فارس حصول اطمینان از «جریان آزاد و ثابت نفت از منطقه به کل جهان است»^{۱۲}، دورهیافت برای حفظ امنیت انرژی پیش روی دولت بوش قرار دارد؛ نخست اینکه آمریکا با همکاری ژاپن و اتحادیه اروپا مسئولیت حفظ امنیت خلیج فارس را بر عهده خواهد گرفت تا منافع کشورهای واردکننده انرژی تامین شود و یا اینکه آمریکا تلاش

خواهد کرد تا وابستگی خود را به نفت و گاز منطقه کاهش داده و در سایر مناطق غنی در انرژی مانند دریای خزر بیشتر سرمایه گذاری نماید.^{۱۲} جورج بوش در سخنرانی سالانه خود به ملت آمریکا در سال ۲۰۰۶ از همین رهیافت دوم سخن گفت و به معرفی برنامه ابتکار پیشرفته انرژی^(۱) خود پرداخت. هدف اصلی این برنامه جایگزینی بیش از ۷۵ درصد از واردات نفت آمریکا از خاورمیانه تا سال ۲۰۲۵ اعلام شد و به این منظور بودجه اختصاص داده شده به پژوهشهای نوین در وزارت انرژی آمریکا ۲۲ درصد افزایش یافت.^{۱۴} فرض بر این است که با تنوع راههای عرضه انرژی، درصد نفت و گاز مورد نیاز غرب که از خلیج فارس می گذرد، کاهش می یابد. این امر به نوبه خود باعث می شود که آمریکا حضور نظامی را در منطقه تنها به نیروهای مستقر در ناوگان دریایی و «ماورای افق»^(۲) در آبهای بین المللی محدود سازد و نیازی به استقرار نظامیان آمریکایی در پایگاههای نظامی در قلمروی کشورهای میزبان در خلیج فارس نباشد.^{۱۵} برای تحقق چنین هدفی، آمریکا باید به یک جانبه گرایی خود پایان داده و اتحادیه اروپا مشارکت بیشتری در ایجاد و حفظ نظام امنیت منطقه ای موثر در خلیج فارس داشته باشد. کشورهای منطقه ای برای برقراری روابط نزدیک تر با اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن به تازگی گامهایی برداشته اند تا دچار آسیب پذیری جبران ناپذیر ناشی از وابستگی بیش از حد به آمریکا نشوند. در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۷، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا به مذاکره برای ایجاد منطقه آزاد تجاری پرداختند تا در آوریل سال جاری در ریاض پیش از اجلاس دوجانبه این دو نهاد منطقه ای، قراردادی برای امضا آماده شود. کویت در دسامبر ۲۰۰۶، موافقت نامه امنیتی برای تبادل اطلاعات امنیتی با ناتو منعقد ساخت.^{۱۶} وزیرای کشورهای عربستان سعودی و ایتالیا در سپتامبر ۲۰۰۶ در مورد قرارداد همکاری امنیتی مذاکره کردند. در ۱۹۹۵، این دو کشور یادداشت تفاهمی را برای همکاری دفاعی دوجانبه امضا کرده بودند. قرارداد جدید فعالیتهایی همچون مبارزه با تروریسم، خراب کاری، جرایم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر و پولشویی را در بر می گیرد.^{۱۷}

1. Advanced Energy Initiative
2. Over-the-Horizon

حضور چشمگیر نیروهای نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس به بیش از ۱۶ سال پیش و زمان حمله عراق به کویت بازمی‌گردد. صدها هزار نظامی آمریکایی به عربستان سعودی و خلیج فارس اعزام شدند، اما آمریکا در پی حمله‌های تروریستی شبکه القاعده به نیویورک و واشنگتن به تدریج نظامیانش را از عربستان به سایر کشورها به ویژه کویت، قطر و بحرین انتقال داد. در جریان عملیات جنگی ۲۰۰۳ علیه افغانستان و عراق، نیروی هوایی آمریکا از ۳۶ پایگاه نظامی استفاده می‌کرد و هم‌اکنون به ۱۴ پایگاه شامل چهار پایگاه عراقی دسترسی دارد. واشنگتن برنامه‌های بلندمدتی برای استقرار نیرو در منطقه دارد که مستلزم تداوم دسترسی به قلمروی بحرین، کویت، قطر و عمان است. راه‌های هوایی خلیج فارس مسیر مناسبی برای ارتباط بین نیروهای آمریکایی در این منطقه با پایگاه‌های آمریکا و ناتو در ترکیه، جنوب اروپا، آسیای مرکزی و جنوبی به شمار می‌آیند. دسترسی آمریکا به پایگاه‌ها و فرودگاه‌های منطقه‌ای مانند پایگاه هوایی بزرگ العدید در قطر برای رسیدن به آسیای مرکزی برای ادامه نبرد آمریکا علیه طرفداران طالبان و القاعده در افغانستان برای واشنگتن اهمیت بسیاری دارد.^{۱۸} به گزارش وزارت دفاع آمریکا، ۱۴۷۷۹۶ پرسنل نظامی آمریکایی در اول نوامبر ۲۰۰۶ در عراق مستقر شده بودند که از این میان ۱۲۴۲۶۶ نفر نظامیان فعال عادی بوده و ۲۳۵۳۰ نفر از نیروهای ذخیره و گارد ملی بودند.^{۱۹}

کشورهای کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس با حضور نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه مخالفتی ندارند. در مصاحبه‌ای در ۲۰۰۳، وزیر امور خارجه قطر شیخ حامد بن جاسم آل جابر آثانی بیان داشت که «هدف حضور دفاعی آمریکا در قطر نه تنها حفظ منافع آمریکا، بلکه منافع ما نیز هست؛ زیرا ما دارای منافع مشترک هستیم.» وی در پاسخ به این پرسش که آیا سفر مقامات نظامی آمریکایی به دوحه و پایگاه‌های این کشور به این معنی است که قطر در حمله احتمالی علیه عراق مشارکت خواهد داشت؟ گفت: «ما اجازه دسترسی به تاسیسات (نظامی و بندری) خود را به آمریکا برای حمله به هیچ‌کس نداده‌ایم، اما به علل دیگری که ربطی به عراق ندارد، این سیاست را اتخاذ کرده‌ایم.» پرسش دیگری که مطرح شد این بود که در مورد آنچه مردم درباره گشودن درها بر روی آمریکایی‌ها از سوی قطر می‌گویند، آیا این

سیاست به دلیل اندازه کوچک قطر است؟ لبنان هم کشور کوچکی است، اما در برابر اسرائیل توانسته مقاومت کند به نحوی که اسرائیلی ها در نهایت موافقت کردند که راهی جز خروج نیروهایشان از لبنان ندارند، آل ثانی پاسخ داد: «در مورد این که چرا ما آمریکایی ها را در اینجا داریم، یک مقایسه مناسب اتحادیه اروپاست. لوکزامبورگ کشور اروپایی بسیار کوچکی است. به سختی روی نقشه پیدا می شود، اما در معرض خطر نابودی نیست و بقایش مورد تهدید نمی باشد. ما امیدواریم که تجربه اروپا برای ما درس خوبی باشد.»^{۲۰}

بازدارندگی دست کم دو نوع تهدید برای توجیه حضور نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس به کار رفته است: الف) بازدارندگی گروهها و نهادهای غیردولتی مانند القاعده از حملات انتحاری علیه کشتیها به منظور مختل کردن عبور و مرور دریایی از تنگه هرمز، و یا بازداشتن آنها از کاربرد سلاحهای کشتار جمعی برای ایجاد رعب و وحشت در بین ساکنان منطقه خلیج فارس و تغییر رژیمهای طرفدار آمریکا؛ و ب) بازدارندگی یک کشور منطقه ای (مانند ایران) از استفاده از ابزار نظامی متعارف یا غیرمتعارف در درگیری راهبردی یا سیاسی با یک قدرت بزرگ (مانند آمریکا). اگر تنها به هزینه عملیات جنگی و تداوم اشغال نظامی عراق بنگریم، مشخص می شود که برای کسب توانایی بازدارندگی، مردم آمریکا چه هزینه سنگینی را متحمل شده اند. در اوایل سال ۲۰۰۳ زمانی که دولت بوش در حال تدارک دیدن برای حمله به عراق بود، در محافل سیاسی در مورد هزینه های احتمالی این نبرد بحث زیادی مطرح نبود.^{۲۱} در چنین شرایطی کاخ سفید به گزارش لاری لیندزی، مشاور اقتصادی جورج بوش، که هزینه های این جنگ را بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده بود، واکنش فوری نشان داده و این رقم را غیر واقعی و بیش از حد نامید. برخی از نومحافظه کاران نزدیک به دولت از جمله پل ولفوویتز ادعا کردند که عراق می تواند هزینه های بازسازی اقتصادی خود را از محل درآمدهای نفتی اش تامین نماید. لیندزی نیز با تغییر برآورد پیشین خود بیان داشت که اجرای موفقیت آمیز جنگ علیه عراق می تواند برای اقتصاد آمریکا مفید هم باشد. بسیاری از رویدادهای عراق با سناریوهای از پیش فرض شده نومحافظه کاران در واشنگتن تفاوت آشکار داشته است. به طور نمونه، تسلیحات کشتار جمعی پیدا نشد، رابطه ای بین گروه

تروریستی القاعده و صدام حسین کشف نشد، امنیت فردی عراقی‌ها تامین نشده است و در کل، تهدیدی جدی و فوری که جنگی پیش‌دستانه را توجیه کند، وجود نداشت. اکنون مشخص شده که لیزدزی هزینه‌های جنگ را کمتر از حد واقعی تخمین زده بود. کنگره آمریکا تا پایان نوامبر ۲۰۰۵ بیش از ۳۵۷ میلیون دلار برای عملیات نظامی، بازسازی عراق، گشودن سفارت‌خانه آمریکا در بغداد، برقراری امنیت بیشتر در پایگاه‌های آمریکا، و تامین مالی برنامه‌های کمک خارجی به افغانستان و عراق اختصاص داد. این آمار شامل ۲۵۱ میلیون دلار جهت عملیات نظامی در عراق، ۸۲ میلیارد دلار برای امنیت پایگاه‌ها و سفارت‌خانه آمریکا می‌شود. میانگین هزینه‌های ماهانه عملیات از ۴/۴ میلیارد به ۷/۱ میلیارد دلار افزایش یافته و هزینه عملیات نظامی بین سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ حدود ۲۰ درصد افزایش نشان داد. اداره بودجه کنگره آمریکا هزینه جنگ را بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد. این ارقام هزینه‌های اقتصادی مربوط به افزایش قیمت نفت و هزینه بازسازی عراق را کمتر در نظر گرفته‌اند.^{۲۲}

اهمیت سیاست‌های ایران برای امنیت خلیج فارس

ایران با جمعیتی حدود ۷۰ میلیون نفر، یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای خاورمیانه بوده و نیز دارای مساحت خشکی وسیع و سواحل طولانی در امتداد خلیج فارس و دریای خزر است. ایران یکی از کشورهای غنی در منابع انرژی بوده، روزانه ۴/۲ میلیون بشکه نفت تولید کرده و ۲/۷ میلیون بشکه آن را به چین، ژاپن و اروپا صادر می‌کند. ذخایر شناخته شده نفت ایران حدود ۱۳۲/۵ میلیارد بشکه معادل بیش از ۱۱ درصد از ذخایر نفتی دنیا برآورد شده است. در ضمن، ایران حدود ۲۷/۵۰ میلیارد مترمکعب معادل ۱۵/۳ درصد از ذخایر شناخته شده گاز طبیعی در جهان را در اختیار دارد (جدول ۳). با این حال تحمیل نظامی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه‌ای پایین است. ارقام جدول ۴، تحمیل نظامی ایران در سال ۲۰۰۳ را برابر با ۳/۸ درصد نشان می‌دهد که پس از تحمیل نظامی ۳/۱ درصدی امارات متحده عربی، کمترین درصد از تولید ناخالص داخلی اختصاص داده شده به بخش

نظامی بود. آمار مشابه برای سایر کشورهای منطقه عبارت بود از ۵/۱ درصد برای بحرین، ۷/۱ درصد برای امارات متحده عربی، ۸/۷ درصد برای عربستان، ۹/۰ درصد برای کویت، ۱۲/۲ درصد برای عمان، و برای عراق و قطر آماری ارائه نشده بود. باید ذکر شود که هزینه نظامی ایران به طور مطلق حدود ۵۰۹۸ میلیون دلار گزارش شده بود، اما کمتر از یک سوم از هزینه نظامی ۱۸۷۷۲ میلیون دلاری عربستان سعودی بود. در مقایسه، نیروهای مسلح ۵۴۰ هزار نفری ایران در ۲۰۰۵ بیش از ۶۲ درصد از کل نیروهای نظامی منطقه خلیج فارس را تشکیل می داد (جدول ۴).

همسایگان عرب ایران تصور می کنند که پافشاری ایرانی ها بر مالکیت سه جزیره تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی^{۲۳} نشانه ای از جاه طلبی ایران برای کسب جایگاه برتر قدرت بزرگ منطقه ای است. مقامات ایرانی به طور مستمر از حاکمیت کامل این سه جزیره در برابر ادعاهای بی پایه امارات متحده عربی سخن گفته، عزم ایرانی ها را برای دفاع از مرز و بوم خود بیان می کنند. این جزایر بخش لاینفک قلمروی ایران بوده، تفاوتی با شهرهای ایران نداشته و ایرانی ها حاضر به از دست دادن حتی یک وجب از خاک جزایر نیستند.^{۲۴} در پی انتشار بیانیه های مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در مورد ادعاهای امارات متحده عربی، برخی از تحلیلگران سیاسی ایرانی از ضعف دیپلماسی ایران برای پایان دادن به این مسئله انتقاد کردند. امارات در تلاش بوده تا با جلب حمایت قدرتهای بزرگ و حامیان منطقه ای خود به بین المللی شدن مسئله جزایر ایرانی کمک کند. ایران مخالفت خود را با تغییر نقشه منطقه بیان داشته و راه حل این اختلاف را تنها در مذاکره دوجانبه با امارات می داند. آشکار است که تأمین امنیت صنعت و تجارت نفت و گاز ساحلی برای همه کشورهای منطقه ای دارای اهمیت بسیار بوده و اجرای سیاستهایی جهت حصول اطمینان از امنیت دریایی برای کشتی رانی در سواحل آبهای منطقه ای می تواند عامل مهمی برای توسعه اقتصادی پایدار باشد. برای سیاست گذاران ایرانی دو پرسش کلی مطرح شدنی است: الف) چگونه می توان با همکاری به امنیت دریایی منطقه ای کمک کرد؟ و ب) چگونه می توان تأثیر منفی کشتی رانی و دریانوردی بر محیط زیست خلیج فارس را محدود ساخت؟ بهترین

روش برای شناخت مواضع رسمی رهبران سیاسی ایران و پاسخ آنان به این پرسشها، بررسی اهداف راهبردی و کوتاه مدت سیاست خارجی ایران در قبال خلیج فارس است. با تحلیل محتوای بیانیه های رسمی مقامات عالی رتبه دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد مسایل مختلف مربوط به خلیج فارس، هدف اصلی سیاست گذاران ایرانی در نمودار یک شناسایی شده و در زیر به بررسی مهم ترین اهداف پرداخته می شود:

● دسترسی آزاد و امن به آبهای بین المللی برای سهولت بخشیدن به روابط تجاری ایران از اهداف اصلی مقامات کشور است.

● اهمیت هدف مبارزه با تروریسم دریایی از آنجا آشکار می شود که ایران کماکان مورد تهدید فعالیتهای تروریستی مانند رویدادهای ناگوار بمب گذاری سال ۱۳۸۴ اهواز در یک بانک و یک ساختمان دولتی قرار دارد.^{۲۵}

● نظارت کامل بر قاچاق انسان و کالا نیز در دستور کار سیاست گذاران ایرانی است. یکی از مشکلات امنیتی کشورهای خلیج فارس قاچاق اسلحه سبک، مواد مخدر و انسان است. گرچه آمار معتبر و دقیقی از وسعت قاچاق انسان در منطقه وجود ندارد، ولی دولت و رسانه های گروهی در مورد پیامدهای منفی چنین قاچاقی هشدارهایی داده اند. شبکه های قاچاق تنها به سودجویی اندیشیده و از قربانی کردن زنان و دختران جوان نیز ابایی ندارند.^{۲۶} بنابر آمار سازمان ملل، ایران در زمره کشورهای قرار دارد که باید با قاچاق مواد مخدر که به مشکل اعتیاد در جامعه دامن می زند و با مسئله ورود غیرقانونی افراد جویای کار که منجر به افزایش نرخ بیکاری و نرخ بزهکاری می شود، مقابله کند. به گزارش معاون رییس پلیس استان سیستان و بلوچستان، ۴۰۰۰۰ مهاجر غیرقانونی کارجوی خارجی و قاچاقچیان انسان در سال ۱۳۸۳ دستگیر شدند و بیشتر این افراد با پرداخت مبالغ گزافی در جستجوی کار به ایران آورده شده بودند.^{۲۷} هر ساله، هزاران کودک از کشورهایمانند بنگلادش، پاکستان و سودان برای کار به عنوان سوار کار اسب و شتر به کشورهای خلیج فارس آورده می شوند. بیشتر آنان مورد آزار و اذیت جسمی و روحی قرار گرفته و حتی غذای کافی به آنها داده نمی شود تا از افزایش وزنشان جلوگیری شود. قانون حمایت از قربانیان قاچاق انسان سال

۲۰۰۰،^(۱) در آمریکا، متمم کنوانسیون براندازی بردگی، تجارت برده و نهادها و رویه های مشابه بردگی،^(۲) و کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین المللی کار، ابزار حقوقی قدرتمندی را برای رسیدگی به این مسئله فراهم می کنند. کشورهایی که قاچاق کودک سوار کار شتر به قلمروی آنها رواج دارد، عضو کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل می باشند. به دلایل سیاسی، دولت واشنگتن بر امارات متحده عربی و سایر کشورهای عرب خلیج فارس که برای جلوگیری از سوء استفاده کودکان از سوی شبکه های قاچاق انسان اقدامی نمی کنند، چندان فشاری را وارد نمی آورد.^{۲۸} برعکس، در گزارشهای سالانه وزارت امور خارجه آمریکا، از ایران به عنوان کشوری که اجازه عبور پسران خردسال از افغانستان، پاکستان و بنگلادش به قلمروی خود برای انتقال غیرقانونی به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای کار اجباری به عنوان سوار کار شتر، گدایان و یا کارگران بی اجرت را می دهد، انتقاد می شود.^{۲۹} به رغم وجود انگیزه قوی دولتهای منطقه ای برای مقابله با شبکه های تروریستی و قاچاقچیان، به دلیل وجود اسکله های غیرقانونی در امتداد سواحل گسترده خلیج فارس پایان دادن به قاچاق کالا و جلوگیری از عبور غیرقانونی از مرزها بسیار دشوار بوده است.

● ایران با هدف مقابله با حضور نیروهای نظامی خارجی، به طور مستمر خواهان خروج سربازان آمریکایی از منطقه و عدم مداخله دولتهای فرامنطقه ای در امور خلیج فارس بوده است. مسئولان دولتی در کابینه روسای جمهور ایران به ویژه در دولت آقای رفسنجانی، آقای خاتمی و آقای احمدی نژاد به طور مستمر از دولتهای خارجی به ویژه آمریکا خواستند تا مبادرت به بیرون کشیدن فوری نیروهای خود از منطقه نمایند. برخی از ناظران بر این باورند که دولت بوش احتمال دارد از مسئله برنامه هسته ای ایران به عنوان بهانه ای برای توجیه حضور نظامی بلندمدت و مداوم خود نه تنها در آبهای خلیج فارس، بلکه در عراق استفاده کند. برای رسیدن به این هدف از یک سو، ایران با طرح ۲+۶ پیشنهادی قدرتهای غربی مخالفت کرد. در این طرح قرار بود که شش کشور عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس به همراه دو

1. The Trafficking Victims Protection Act of 2000

2. The United Nations Supplementary Convention on the Abolition of Slavery, the Slave Trade, and Institutions and Practices Similar to Slavery.

کشور عربی دیگر (مصر و سوریه) که در جنگ خلیج فارس علیه رژیم صدام حسین برای آزادسازی کویت در ۱۹۹۱ به نیروهای آمریکایی کمک نمودند، اعضای اصلی یک نظام امنیتی را تشکیل دهند و دو کشور بزرگ‌تر شمال خلیج فارس (ایران و عراق) کماکان از این نظام کنار گذاشته شوند.^{۳۰} از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران از یک فرمول ۲+۶ که در آن شش کشور شورای همکاری خلیج فارس به اضافه دو کشور (ایران و عراق) مسئولیت حفظ امنیت منطقه‌ای را به عهده خواهند گرفت، حمایت کرده است. محمد علی حسینی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در زمان ارایه پیشنهاد ایران بیان داشت که «کشورهای منطقه‌ای خود بهتر می‌توانند امنیت خلیج فارس را تضمین کنند. کشورهای منطقه‌ای باید در مورد همکاری امنیتی که در بین خود می‌خواهند، به توافق برسند تا بیگانگان بهانه باقی ماندن در منطقه را نداشته باشند»^{۳۱} برای رسیدن به اهداف خود، ایران بر همکاری بین کشورهای منطقه‌ای تاکید داشته است. در آوریل ۲۰۰۱، ایران و عربستان سعودی قرارداد امنیتی دوجانبه‌ای را برای مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته امضا کردند. این قرارداد که در پی دو سال مذاکره دوجانبه منعقد شد، همکاری نیروهای انتظامی دو کشور را برای مراقبت از مرزها دربر می‌گیرد، اما همکاری نظامی دوجانبه را شامل نمی‌شود.^{۳۲} ایران آمادگی خود را برای امضای موافقت‌نامه‌ها و معاهده‌های امنیتی مشابه با سایر کشورهای خلیج فارس اعلام داشته است.

از زمان انتخاب آقای محمود احمدی نژاد، عربستان سعودی هم‌گام با برخی دیگر از کشورهای عرب منطقه، ایران را به مداخله در امور داخلی عراق متهم ساخته است. گرچه دیدارهای مقامات دو کشور ادامه دارد و نخستین سفر خارجی منطقه‌ای رییس‌جمهور جدید ایران در ۱۵ آذر ۱۳۸۴ به منظور شرکت در اجلاس فوق‌العاده سران سازمان کنفرانس اسلامی به عربستان سعودی بود. وزیر امور خارجه نیز مبادرت به سفر به کویت، بحرین، عمان و امارات متحده عربی به عنوان اولین بازدید از کشورهای منطقه‌ای نمود. به نظر می‌آید تاکید سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بر جلوگیری از افزایش قدرت کشورهای منطقه‌ای به حدی که توانایی کنترل جریان آزاد نفت و گاز به غرب را کسب نمایند، باشد.^{۳۳} پس از تغییر رژیم در

ایران، دولت واشنگتن با سیاست مهار دوجانبه خود کوشید تا با ابزار تحریم اقتصادی ایران و عراق را زیر نظارت مستمری به منظور تضعیف جایگاه نسبی دو کشور مخالف سرسخت سیاستهای زورگویانه آمریکا در منطقه قرار دهد. سیاست مداران ایرانی نیز کماکان درصده به حداقل رساندن پیامدهای منفی تحریمهای انتقام جویانه آمریکا بوده اند و از پایان جنگ ایران و عراق به بعد رهبران ایران تمایل خود را جهت ایجاد یک نظام امنیت منطقه ای فراگیر در خلیج فارس با مشارکت دولتهای محلی به جای نظام مبتنی بر کمک نیروهای خارجی اعلام کرده اند.

● تشویق هم گرایی اقتصادی و سیاسی منطقه ای یکی دیگر از اهداف سیاست خارجی ایران بوده است. جالب این است که دو کشور ایران و امارات متحده عربی با وجود اختلاف نظر بر سر مالکیت جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس دارای روابط اقتصادی - تجاری دوجانبه مستحکم و مستمری هستند. سرمایه گذاران و بازرگانان ایرانی در دومی به حدی فعالیت اقتصادی داشتند که ایران چهارمین شریک تجاری بزرگ دومی در سال ۱۳۸۳ گردید.^{۳۴} بیش از ۴۰۰۰ شرکت ایرانی در دومی فعالیت دارند. تراز تجاری دوجانبه ایران و امارات در ۲۰۰۴ در مقایسه با ۲۰۰۳ افزایش بی سابقه ۲۵۰۰ درصدی را نمایان ساخت و باعث شد که امارات به سومین شریک تجاری بزرگ ایران تبدیل شود. در آینده احتمال دارد که ایران نخستین صادرکننده آب شیرین به کویت باشد.^{۳۵} ایران با عمان و قطر قراردادهایی را برای بهره برداری مشترک از منابع نفت و گاز منعقد ساخته است. عمان و ایران به طور مشترک مالکیت میدان گازی هنگام واقع شده در تنگه هرمز در ۲۰ کیلومتری جنوب جزیره قشم را دارا می باشند. مطالعات اولیه در این محل نشان دهنده وجود مقادیر قابل توجهی از گاز طبیعی است.^{۳۶} بزرگ ترین میدان گاز طبیعی جهان موسوم به پارس جنوبی به طور مشترک به ایران و قطر تعلق دارد. بر آورد می شود که این میدان گازی با حدود ۱۴/۲ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی حدود ۸ در صد منابع گاز طبیعی جهان، ۵۵ درصد از ذخایر گاز قطر و ۵۱ درصد از ذخایر گاز ایران را در خود جای داده باشد. ایران پس از روسیه دارای بزرگ ترین منابع شناخته شده گاز طبیعی در جهان است.^{۳۷}

جلوگیری از مداخله مستقیم خارجی در برقراری امنیت منطقه‌ای

سیاست ایران تاکید بر مسئولیت کشورهای خلیج فارس برای حفظ امنیت و ثبات بدون وابستگی به قدرتهای فرامنطقه‌ای است. یکی از موانع بهبود محیط امنیتی خلیج فارس تنش موجود در روابط ایران و آمریکا است که بر روابط ایران با همسایگانش نیز سایه افکنده است. رهبران و سیاستمداران ایرانی بارها به تضاد منافع دو کشور اشاره کرده‌اند. آقای منوچهر متکی دولت واشنگتن را به اجرای اهداف مداخله‌جویانه امپریالیستی به بهانه مبارزه بین‌المللی با تروریسم متهم کرد.^{۳۸} سردار رحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از دولت بوش به خاطر سوءاستفاده از وقایع ۱۱ سپتامبر جهت تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به ضرر ایران انتقاد کرد. وی در سخنرانی خود در خوزستان، از سیاستهای آمریکا انتقاد شدیدی نمود و بیان داشت که واشنگتن اقدام به تنش‌زایی قومی در نبردی ضدایرانی با هدف ایجاد ناامنی در کشور کرده است. وی آمریکا را به حمایت از حزب دموکراتیک کردستان و گروهک منافقین در شرق ایران و حمایت از گروههای خلافکار در سرتاسر مرزهای غربی کشور با افغانستان و پاکستان به منظور ایجاد ناامنی در بلوچستان و سیستان متهم ساخت. به گفته وی، آمریکا می‌کوشد تا توازن قدرت اقتصادی و سیاسی در جهان و خاورمیانه را با حضور نظامی در منطقه به سود خود تغییر دهد.^{۳۹}

حمایت از محیط زیست و منابع خلیج فارس

یکی از نگرانیهای محیط‌زیستی منطقه، آلودگی آب بر اثر نشت نفت از تانکرهای حامل نفت، تصادفهای ناشی از برخورد شناورهای دریایی حامل مواد سوختی و کشتیهای حامل ساز و برگهای نظامی و حتی سلاحهای اتمی است. سطح آلودگی آب خلیج فارس ۴۷ برابر بیش از آلودگی دریاهای آزاد است و دولت ایران دلیل اصلی آن را حضور و عبور مکرر شناورهای نظامی دریایی آمریکا از این آبراه می‌داند.^{۴۰} گرچه بیشتر نقاط ساحلی دنیا آلوده بوده، اما به غیر از قیرهای شناور و زباله‌های پلاستیکی موجود در مسیرهای ویژه کشتی‌رانی و در مناطقی که جریانهای آب به یکدیگر نزدیک می‌شوند، اقیانوسها به طور نسبی از آلودگی

مصون باقی مانده اند. در آبهای بسته مانند خلیج فارس، ریزش نفت از کشتیها و تانکرهای دریایی حامل نفت و یا سکوهای حفر نفت در آبهای ساحلی و رها ساختن مواد آلوده کننده محیط زیست مانند حشره کشها و مواد کشنده آفات نباتی باعث آلودگی آب شده، اما هنوز به درجه ای نرسیده اند که تهدیدی جدی برای بهداشت عمومی به شمار آید. به هر حال کشورهای منطقه ای باید به بررسی سیاستهای منطقه ای حفظ محیط زیست خلیج فارس بپردازند. دولت ایران بارها نگرانی خود را از کوتاهی همسایگانش در کنترل سطح آلودگی آب و حفظ محیط دریایی در خلیج فارس بیان داشته است. واقعیت این است که در بسیاری از گلوگاههای بین المللی برخوردهای نزدیک و تصادفهایی رخ داده که موجب افزایش نگرانی در مورد خطرات انتقال دریایی محموله هایی که می توانند تهدیدهای محیط زیستی و یا بلاهای انسانی در صورت وقوع سوانح را به وجود آورند، شده است.^{۴۱} با توجه به ترافیک سنگین کشتیهای تجاری یا جنگی در خلیج فارس، نیاز به پژوهشهای دقیق برای بررسی پیامدهای زیست محیطی دیده می شود. گزارشهایی از تصادفات و سوانح ناشی از حضور نیروهای نظامی خارجی در خلیج فارس وجود دارد. در ۱۹۸۸، کشتی جنگی آمریکایی وینسنس در حال گشت در آبهای خلیج فارس با پرتاب دو موشک اقدام به نابودی هواپیمای مسافربری ایران و نابودی تمام سرنشینان آن نمود. در ژوئیه ۲۰۰۴، کشتی جنگی دیگر آمریکایی موسوم به جان اف. کندی که به منطقه فرماندهی مرکزی زیر نظارت ناوگان پنجم آمریکا اعزام شده بود، در هنگام عملیات شبانه در آبهای خلیج فارس با قایقی برخورد کرد و موجب غرق شدن آن گردید.^{۴۲}

در سپتامبر ۲۰۰۵، زیردریایی اتمی آمریکا موسوم به فیلادلفیا با کشتی باربری ترکیه در خلیج فارس برخورد کرد. در ژانویه ۲۰۰۷، زیردریایی اتمی دیگری به نام نیوپورت که با خدمه ۱۲۷ نفری خود در حال گشت در منطقه بود با کشتی بزرگ حامل نفت ژاپنی که از خلیج فارس عازم سنگاپور بود تصادف کرد.^{۴۳} این حادثه در نزدیکی تنگه هرمز روی داد و می توانست به فاجعه زیست محیطی باورنکردنی منجر شود. در موقعیتهای حساس، این نوع تصادفات ناگوار بر اثر محاسبه غلط، اشتباه و سهل انگاری انسانی می تواند اتفاق بیفتد و

آشکار است که هر چه بر شمار پرسنل نظامی و ناوهای جنگی در این آبها افزوده شود،^{۴۴} احتمال وقوع این پیشامدها بیشتر خواهد شد.^{۴۵} در پی افزایش حضور نیروهای دریایی خارجی در منطقه، نگرانی ایران در مورد احتمال وقوع تصادف یا حوادث اتمی بر اثر عبور کشتیهای خارجی اعزام شده که با سوخت اتمی کار می کنند، ابراز شده است. مشخص نیست که آیا نیروهای بیگانه به این منطقه سلاحهای هسته ای آورده اند یا نه. در سپتامبر ۱۹۹۵ ریچارد اورمزبی، فرمانده یکی از ناوهای آمریکایی، که در بندر جبل علی امارات لنگر انداخته بود، در پاسخ به این پرسش که آیا شناور دریایی وی در حال حمل تسلیحات اتمی است گفت: «سیاست دولت آمریکا به ما اجازه بازگو کردن چنین اطلاعاتی را نمی دهد. من نمی توانم وجود توانایی هسته ای در کشتی را تایید کنم و یا انکار نمایم».^{۴۶}

غیر نظامی کردن خلیج فارس و پشتیبانی از پیشنهاد عاری کردن منطقه از سلاحهای کشتار جمعی

کشورهای منطقه ای کوچک تر مانند امارات متحده عربی و کویت از ایده ایجاد منطقه عاری از جنگ افزارهای هسته ای حمایت کرده و آن را به عنوان نخستین گام در فرآیند خلع سلاح منطقه ای معرفی کرده اند. برای تحقق چنین پیشنهادی نیاز به قراردادی بین المللی مانند معاهده تلاتلولکو^(۱) برای آمریکای لاتین و کارائیب است که بر مبنای آن نه تنها کشورهای منطقه ای بلکه پنج کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل همراه با سه کشور هند، پاکستان و اسرائیل متعهد می شوند که هرگز اقدام به اعزام نیروهای دریایی مجهز به سلاحهای هسته ای به خلیج فارس ننمایند. در کنفرانسی برای بررسی نقش ناتو در امنیت منطقه ای خلیج فارس در دوحه در نوامبر ۲۰۰۵، دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس برنامه هسته ای ایران را تهدیدی مستقیم به امنیت کشورهای خلیج فارس و ناتو معرفی کرده و از احتمال تصادفهای اتمی مشابه چرنوبیل در نیروگاه اتمی بوشهر به دلیل نزدیکی جغرافیایی

ابراز نگرانی کرد. رییس ستاد کل ارتش کویت نیز از ناتو برای آمادگی جهت کمک رسانی در صورت وقوع حادثه در نیروگاه بوشهر درخواست کمک نمود. در اقدامی واکنشی به اظهارات مقامهای کویتی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در خصوص مسایل زیست محیطی در نزدیکی نیروگاه اتمی بوشهر تاکید کرد: «استانداردهای ایمنی این نیروگاه اتمی در بالاترین سطح استانداردهای مورد نظر آژانس بین المللی انرژی اتمی است.»^{۴۷} اگرچه پیشنهاد تشکیل منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خلیج فارس در محافل سیاسی، علمی و دانشگاهی این کشورها مطرح شده، اما در بیانیه های پایانی اجلاس سران این شورا از این ایده به طور رسمی حمایت نشده است. عمر موسی، دبیر کل اتحادیه عرب، در نامه ای به شورا نگرانی خود را از زرادخانه اتمی اسرائیل به جای برنامه انرژی هسته ای ایران ابراز کرد.^{۴۸} بعید است که خلیج فارس پیش از خاورمیانه به منطقه عاری از سلاحهای کشتار جمعی تبدیل شود.

جای تاسف است که این منطقه به صحنه مسابقات تسلیحاتی و تاخت و تاز نیروهای بیگانه تبدیل شده است. در سالهای اخیر، تعداد بی شماری مانورها و تمرینهای نظامی با مشارکت دولت‌های منطقه ای و قدرتهای فرامنطقه ای در آبهای خلیج فارس به انجام رسیده است. در فوریه ۲۰۰۱، اسرائیل و ایالات متحده آمریکا سه روز پس از حمله هوایی انگلستان و آمریکا علیه بغداد تمرینهای نظامی مشترکی را آغاز کردند. موشکهای پاتریوت آمریکایی که در جنگ ۱۹۹۱ علیه عراق به کار رفته بود، در این مانور به طور آزمایشی پرتاب شد.^{۴۹} گرچه اسرائیل در منطقه خلیج فارس واقع نشده است، اما در شکل گیری سیاستهای آمریکا در قبال کشورهای منطقه ای نقش مهمی را ایفا کرده است. برای افزایش قدرت نسبی دولت یهودی در برابر رقبایی مانند ایران و عراق، بین سالهای ۱۹۹۶ و ۲۰۰۵، تجهیزات نظامی آمریکایی به ارزش حدود ۱۰/۱۹ میلیارد دلار به اسرائیل فرستاده شد. این انتقال اسلحه شامل ۸/۵۸ میلیارد دلار بر مبنای برنامه فروش نظامی خارجی و ۱/۶۱ میلیارد دلار فروش مستقیم تجاری بود. در سالهای ۲۰۰۵ - ۲۰۰۱، دولت بوش ۱۰/۵ میلیارد دلار اعتبار نظامی خارجی که بزرگترین کمک نظامی پنتاگون است در اختیار دولت تل آویو قرار داد. از این گذشته، ۶/۳

میلیارد دلار ارزش سازوبرگهای نظامی تحویل داده شده به اسرائیلی ها بود.^{۵۰} فروش و یا انتقال اسلحه و یا فناوری تولید تسلیحات به سایر کشورهای منطقه با در نظر گرفتن توازن قدرت بین اسرائیل و اعراب صورت می گیرد و لابی قدرتمند یهودیان آمریکایی اغلب از فروش تسلیحات پیشرفته به کشورهای عرب خلیج فارس ممانعت به عمل آورده است. البته آمریکا تنها قدرت بزرگ فرامنطقه ای نیست که اقدام به اعزام نیروهای نظامی و یا انجام مانورهای نظامی با مشارکت هم پیمانانش در منطقه نموده است. در فوریه ۲۰۰۰، کویت و فرانسه اقدام به مجموعه ای از تمرینهای مشترک نظامی به عنوان بخشی از معاهده همکاری دفاعی ده ساله خود که در ۱۹۹۲ یکسال پس از جنگ علیه صدام حسین برای آزادسازی کویت منعقد شده بود، نمودند.^{۵۱} در سپتامبر ۲۰۰۱، انگلستان مبادرت به یکی از بزرگ ترین مانورهای نظامی خود در خلیج فارس نمود. بیش از ۶۰۰۰ سرباز انگلیسی از نیروهای زمینی، دریایی و هوایی، ۲۴ کشتی و ۲ زیردریایی همراه با بیش از ۳۰ جت جنگنده به عمان اعزام شدند.^{۵۲}

با وجود اینکه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ۱۹۸۲ اقدام به تشکیل نیروی نظامی موسوم به «الجزیره یا نیروی سپر شبه جزیره» مستقر در عربستان سعودی نمودند و در سال ۲۰۰۰ نیز این دولتها قرارداد دفاعی مشترکی را امضا کردند تا همکاری نظامی دفاعی آنها را در زمینه هایی مانند بازیهای جنگی هوایی و دریایی، تمرینهای نظامی زمینی و ایجاد مراکز آموزش نظامی مشابه میسر سازد،^{۵۳} وابستگی آنها به قدرتهای بزرگ کاهش نیافته است. در فوریه ۲۰۰۷، نیروهای نظامی این شورا در عمان اقدام به تمرینهای نظامی مشترکی موسوم به «سپر جزیره - ۸» خواهند کرد.^{۵۴} ایران تنها کشور منطقه ای است که بدون کمک و نظارت قدرتهای بزرگ در واکنش به مانورهای نظامی و سیاستهای قایقهایی تویدار بیگانگان و یا با هدف به نمایش گذاشتن آمادگی نیروهای مسلح خود برای بازدارندگی دشمنانش اقدام به تمرینهای مشابه در خلیج فارس و مناطق مرزی کشور نموده است. از مهم ترین تمرینهای نظامی ایران در دهه گذشته می توان به موارد زیر اشاره کرد: در آوریل ۱۹۹۸، ایران در تمرینهای نظامی خلیج فارس برای نخستین بار سه زیردریایی خریداری شده از روسیه را همراه با سایر کشتیهای جنگی، جت های جنگنده و ۱۵۰۰۰ نفر از نظامیان

شرکت داد. بنا به گفته عباس محتاج، فرمانده وقت نیروی دریایی، با این مانور دریایی موسوم به «اتحاد»، ایران تمایل خود را برای همکاری با کشورهای خلیج فارس نشان داد.^{۵۵} در آخر سپتامبر ۱۹۹۸ دومین و بزرگترین مجموعه از تمرین های نظامی ایران موسوم به ذوالفقار - ۲ در نزدیکی مرز مشترک با افغانستان با مشارکت دویست هزار نظامی ایرانی در پی موفقیت شبه نظامیان طالبان در مناطق شمالی افغانستان به اجرا درآمد.^{۵۶} ایران تمرینهای نظامی بزرگی را در دسامبر ۱۹۹۸ با مشارکت بیش از ۱۴۰ کشتی جنگی، زیردریایی، بالگرد و پنجاه هزار نظامی در خلیج فارس به انجام رساند. این تمرین ها در پی افزایش تنش بین ایالات متحده آمریکا و عراق که منجر به اعزام نیروهای نظامی بیشتری به منطقه شده بود، ترتیب داده شده بود.^{۵۷} در فوریه ۱۹۹۹ نیز ایران اقدام به تمرینهای نه روزه ای در اطراف تنگه هرمز در ناحیه ورودی به خلیج فارس و در نزدیکی جزیره ابوموسی با شرکت ۱۱ کشتی جنگی و ۲ زیردریایی همراه با بالگردها و واحدهای عملیات ویژه ایرانی نمود.^{۵۸}

بن عبداله النعیمی، وزیر امور خارجه امارات متحده عربی، در کنفرانس وزرای امور خارجه شورای همکاری خلیج فارس نگرانی کشورش را از مانورهای نظامی ایران در نزدیکی جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس در سپتامبر ۱۹۹۹ ابراز کرد. چندی پیش از آن در خرداد ۱۹۹۹ امارات تهدید به خروج از این شورا کرده بود تا سایر کشورهای عضو را وادار به پشتیبانی از ادعاهای خود در برابر ایران نماید.^{۵۹} نگرانیهای امارات ناشی از بهبود روابط ایران با برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس مانند قطر، عربستان سعودی و عمان بود. در ماه مه همان سال، رئیس جمهور وقت ایران، آقای محمد خاتمی، در سفری به عربستان سعودی و قطر که رویدادی تاریخی در روابط جمهوری اسلامی ایران و همسایگان جنوبیش توصیف شده است،^{۶۰} گامی به سوی اعتماد سازی و تنش زدایی در روابط خارجی ایران برداشت. در بیانیه مشترک آقای خاتمی و ملک فهد پادشاه عربستان مسایلی مانند عراق، افغانستان، صلح خاورمیانه، کوزوو، اشغال نظامی بلندیهای جولان و سرزمینهای فلسطینی از سوی دولت تل آویو، مسابقه تسلیحاتی، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، تروریسم، نفت و تجارت مطرح شد، اما اشاره ای به ادعاهای ارضی بی اساس امارات نشده بود.^{۶۱}

حمایت از پیشنهاد ایجاد یک نظام امنیتی منطقه‌ای موثر که در آن نفوذ قدرتهای بزرگ یا سایر قدرتهای فرا منطقه‌ای به حداقل خواهد رسید

به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک مناسب خود، ایران می‌تواند به عنوان پل اقتصادی در برقراری روابط بهتر بین دو منطقه غنی در منابع نفت و گاز در جهان (خلیج فارس و دریای خزر) نقش موثری ایفا کند. در واقع، رهبران ایران از همکاری منطقه‌ای در زمینه‌های گوناگونی مانند حمل و نقل، بانکداری، و مبارزه با قاچاق مواد مخدر در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) حمایت کرده‌اند. تاریخچه تشکیل اگو به ۱۹۸۵ میلادی و آغاز همکاری اقتصادی ترکیه، پاکستان و ایران باز می‌گردد. هم‌اکنون افغانستان، ازبکستان، آذربایجان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان نیز در این نهاد منطقه‌ای عضویت دارند. در سال ۱۹۹۹، بخش هماهنگی کنترل مواد مخدر^(۱) با هدف تشویق همکاری بین کشورهای عضو نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر در منطقه خاورمیانه تشکیل شد.^{۶۲} منوچهر متکی، وزیر امور خارجه، در سفر خود به آذربایجان به اهمیت راهبردی ایران به عنوان زنجیره ارتباطی بین منطقه خلیج فارس و همسایگان شمالی اش در پیرامون دریای خزر اشاره کرد.^{۶۳}

همان‌طور که پیشتر بیان شد، مقامات دولتی ایران بر این باورند که ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان اصلیش از تهدید ایران به عنوان بهانه‌ای برای حفظ تسلط و افزایش نفوذ خود در خلیج فارس استفاده می‌کنند. به رغم مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی، دولت بوش مبادرت به اعزام شمار بیشتری نیروهای نظامی آمریکایی به عراق نموده و با تاکید بر سیاستهای «تجاوز کارانه برای رسیدن به هدف جاه طلبانه قدرت منطقه‌ای برتر شدن ایران همواره در تلاش برای توجیه حضور نظامی در قلمروی خلیج فارس است. در اشاره به نمونه‌هایی از رفتار مشکوک و تهدیدکننده ایرانی‌ها، سیاستمداران آمریکایی توجه جهانیان را به خریدهای تسلیحاتی ایران از روسیه و سایر کشورها، عزم راسخ ایران برای حمایت از گروه‌های

1. Drug Control Coordination Unit (DCCU)

تروریستی مخالف با صلح اعراب و اسرائیل، و نقض حقوق بشر جلب می نمایند؛ به طور مثال، معاون وزیر امور خارجه برای امور سیاسی، آر. نیکلاس برنز در مارس ۲۰۰۶ در بیانیه خود در برابر کمیته روابط بین الملل کنگره آمریکا در واشنگتن ادعا می کند که «رهبران ایران در چهار زمینه متفاوت و حساس منافع حیاتی آمریکایی را تهدید می کنند: ۱. کسب توانایی هسته ای؛ ۲. نقش ایران به عنوان بانکدار اصلی گروههای تروریستی؛ ۳. هدف ایران برای تسلط بر خاورمیانه به عنوان قدرتمندترین کشور خلیج فارس؛ و ۴. سرکوب امیدهای دموکراتیک مردم ایران»^{۶۴} وی واکنش مؤثر به تهدید ایران را به عنوان یکی از مهم ترین چالشهایی که امروزه دولت آمریکا با آن مواجه است، معرفی کرده و بیان می دارد که جورج بوش مقابله با سیاستهای ایران را در بالاترین اولویت در منطقه خاورمیانه بزرگ قرار داده است. در ضمن وی خاطر نشان می کند که کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، در فوریه ۲۰۰۶ با رهبران عرب در قاهره، ریاض، بیروت و ابوظبی، و با مقامات شورای همکاری خلیج فارس ملاقاتهایی داشته و از پیامدهای منفی سیاست خارجی غیردوستانه ایران از جمله حمایت از تروریسم (کمک به حماس و سایر گروههای ضد اسرائیلی) و تمایل به کسب توانایی سلاحهای هسته ای با آنها گفتگو کرده بود.^{۶۵}

هدف اصلی برنز از ایراد این سخنرانی، متقاعد ساختن نمایندگان کنگره آمریکا برای قبول درخواست رایس جهت افزایش ۷۵ میلیون دلار به بودجه وزارت امور خارجه برای اعمال فشار بر دولت ایران بود. در سال مالی ۲۰۰۶، کنگره ۱۰ میلیون دلار به این کار اختصاص داده بود، اما برای رسیدن به هدف وجوه بیشتری درخواست شد. به گفته برنز، بخش اعظم این بودجه اضافی (معادل ۵۵ میلیون دلار) برای برقراری ارتباط با مردم ایران هزینه خواهد شد تا برنامه های فارسی زبان صدای آمریکا و رادیو فردا، پیام دولت آمریکا را گسترده تر و بهتر به ایرانیان برسانند. ۱۵ میلیون دلار از این بودجه با ۱۰ میلیون دلار بودجه اختصاص داده شده پیشین برای تقویت جامعه مدنی ایران، و ۵ میلیون دلار برای برنامه های تبادل دانشجو و تبادلات فرهنگی و ورزشی برای جوانان ایرانی در نظر گرفته شده اند.^{۶۶}

در گزارش برآورد تهدید سال ۲۰۰۶ به کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا، جان دی.

نگروپونته، رییس سیا نیز ایران را به عنوان تهدیدی جدی برای آمریکا و هم پیمانانش معرفی کرده و برنامه هسته ای و زرادخانه موشکهای بالستیک ایران را در خاورمیانه منحصر به فرد توصیف کرد.^{۶۷} در سالهای اخیر، آمریکایی ها با جدیت کوشیده اند تا سیستمهای ضد موشک از قبیل پاتریوت را به کشورهای عرب پر درآمد خلیج فارس بفروشند. هم اکنون، عربستان سعودی و کویت نیروی هوایی خود را از پاتریوت در برابر «تهدید موشکی ایران» بهره مند نموده اند و دولت بوش تمایل دارد که چهار کشور دیگر شورای همکاری خلیج فارس نیز خود را به این سیستمهای دفاع هوایی مجهز کنند.^{۶۸} نخستین سفر رابرت گیتز به عنوان وزیر دفاع جدید آمریکا به عربستان سعودی در ژانویه ۲۰۰۷، با هدف جلب حمایت مقامات ریاض از راهبرد جدید جورج بوش در قبال عراق به انجام رسید. وی پس از سفرش اعلام کرد: «دوستان عرب ما به عراق در قالب چالشهای جدید از سوی ایران می نگرند.» وی از اقدامات آمریکا برای خنثی سازی نفوذ ایران در عراق و در کل منطقه خلیج فارس از جمله اعزام گروه ضربت در ناو هواپیمابر دوم و آتشبارهای موشکی پاتریوت به همراه بیش از ۲۰۰۰۰ سرباز آمریکایی به عراق خبر داد.^{۶۹} دیک چنی پس از سفرش به عربستان سعودی در مصاحبه ای ادعا کرد که «تهدید ایران در حال افزایش است و این تهدید چند جنبه ای بوده و البته برای همه در منطقه نگران کننده است.»^{۷۰}

درست است که ایران تنها کشور خلیج فارس است که در حال حاضر دارای برنامه ساخت نیروگاههای اتمی و مراکز غنی سازی اورانیوم در قلمروی خود است، اما بیشتر کشورهای عرب منطقه نیز به گروههای فلسطینی که دولت آمریکا به آنها لقب «تروریست» داده است کمک می کنند. آنان بسیار بیش از ایران در بخش دفاعی - نظامی سرمایه گذاری می کنند و دارای رژیمهای اقتدارگرای نقض کننده حقوق بشر می باشند. با این حال، به دلایل اقتصادی و سیاسی مختلفی همه قدرتهای نظامی بزرگ جهان و هر پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل به اعضای شورای همکاری خلیج فارس اسلحه فروخته و قراردادهای دفاعی و نظامی با آنها منعقد کرده اند. کویت در پایان جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس برای آزادسازی، با پنج کشور عضو دائم شورای امنیت معاهده ها و قراردادهای دفاعی و

نظامی منعقد کرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. قرارداد دفاعی با متحد اصلی خود آمریکا در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ دربرگیرنده کمکهای نظامی فنی و حق استقرار تجهیزات نظامی آمریکایی در قلمروی کویت؛
 ۲. چهار معاهده شامل قرارداد دفاعی ده ساله با پشتیبان قدیمی خود انگلستان در ۱۱ فوریه ۱۹۹۲ دربرگیرنده کمکهای فنی، مانورهای مشترک و فروش تسلیحات؛
 ۳. دو معاهده همکاری نظامی با فرانسه در ۱۸ اوت ۱۹۹۲ و ۱۳ اکتبر ۱۹۹۳؛
 ۴. موافقت‌نامه‌های امنیتی و فنی با روسیه شامل دو معاهده منعقد در ۱۶ فوریه و ۲۹ نوامبر ۱۹۹۳ برای فروش اسلحه، تبادل اطلاعات و مانورهای مشترک؛ و
 ۵. قرارداد همکاری نظامی با چین برای کمک فنی برای بازسازی نیروهای مسلح کویتی در ۲۴ مارس ۱۹۹۵.^{۷۱}
- قرارداد امنیتی ده ساله ۱۹۹۱ آمریکا با کویت، نخستین موافقت‌نامه‌ای بود که آمریکا با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس جهت دسترسی کشتیهای آمریکایی به تاسیسات و مراکز نظامی و بندری آنها، صدور مجوز برای انبار سازو برگهای نظامی و انجام تمرینها و آموزش نظامی مشترک منعقد ساخت تا مقدمات حضور بلندمدت نیروهایش در منطقه فراهم شود.^{۷۲} جالب توجه این است که حتی پس از سرنگونی رژیم صدام حسین و افزایش نیروهای بیگانه در منطقه، روند فزاینده خریدهای تسلیحاتی آشکارتر شده است. در ۲۰۰۴، امارات با آمریکا برای خرید جنگنده‌های اف-۱۶، موشک و سیستمهای رادار وارد مذاکره شد. کویت، عمان، بحرین و قطر نیز به تجهیز نیروهای هوایی و زمینی خود پرداخته‌اند. در ۱۸ اوت ۲۰۰۶ (۲۷ مرداد ۱۳۸۵)، عربستان سعودی با انگلستان برای خرید ۷۲ جت جنگنده مجهز به موشک به ارزش ۱۸/۸ میلیارد دلار به توافق رسید. اگر شرکت هواپیماسازی بی.ای.ئی سیستم مسئولیت نگهداری و تعمیر این جنگنده‌ها را برعهده بگیرد، این هزینه‌ها برای عربستان سعودی دو برابر خواهد شد.^{۷۳} عربستان سعودی با صرف درآمدهای کلان نفتی خود در ژوئیه ۲۰۰۶ میلیارد دلار برای خریداری جنگ افزار و تجهیزات نظامی هزینه کرد. با انعقاد قراردادهای جدیدی با آمریکا، انگلستان و فرانسه، ریاض اقدام به خرید جنگنده،

بالگرد، خودروهای رزمی، موشک، وسایل ارتباطاتی و تجهیزات نظامی دیگر نمود. عربستان سعودی قصد دارد که نیروهای نظامی خود را تا ۲۵ درصد افزایش داده و نیروی هوایی خود را در اختیار گارد ملی قرار دهد. افزایش بودجه و پرسنل نظامی به بهانه مقابله با تهدید ایران و «هلال شیعی» صورت می‌گیرد.^{۷۴} وزارت دفاع آمریکا به کنگره این کشور اعلام کرد، قراردادی برای فروش تسلیحات شامل ۷۰ جنگنده اف - ۵۱ به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار را با عربستان امضا کرده است. برای رفع نگرانی و مخالفت‌های احتمالی لابی اسرائیل، وزارت دفاع آمریکا خاطرنشان ساخت که این قرارداد توازن قدرت منطقه را برهم نمی‌زند، اما نفوذ نیروی هوایی آمریکا را در عربستان افزایش خواهد داد.^{۷۵} پس از انتشار گزارشی مبنی بر احتمال حمله‌های تروریستی به مراکز نفتی خلیج فارس و به ویژه پالایشگاه‌های نفت عربستان سعودی، آمریکا آمادگی خود را برای کمک به دولت ریاض جهت رفع این تهدید اعلام کرد.^{۷۶} به تازگی در پی تحقیق سه ساله اداره مبارزه با کلاه برداریهای جدی انگلستان، ماجرای رشوه خواری در معامله بزرگ تسلیحاتی انگلستان با دولت عربستان آشکار شد. در نتیجه بررسیهای این اداره اعلام شد که بزرگ‌ترین شرکت دفاعی انگلستان به اعضای خانواده سلطنتی عربستان رشوه‌ای معادل ۶۰ میلیون پوند پرداخت کرده است تا سران عربستان تضمین کنند که خرید جنگ افزار از شرکت بی‌ای ئی ادامه می‌یابد و ریاض برای نیازهای تسلیحاتی به کشور دیگری مراجعه نمی‌کند. قرارداد ۵۰ میلیارد دلاری «ایمامه» منعقد شده در دهه ۱۹۸۰ برای خرید هواپیماهای جت و ایجاد یک پایگاه هوایی، بزرگ‌ترین قرارداد نظامی در تاریخ انگلستان به شمار می‌آید. در واکنش، دولت عربستان تهدید کرد که اگر این تحقیقات ادامه یابد، نه تنها به همکاریهای امنیتی و اطلاعاتی بین ریاض و لندن پایان داده شده و معامله ۱۰ میلیارد پوندی برای خرید ۷۲ هواپیمای جت از شرکت بی.ای.ئی سیستم متوقف می‌شود، بلکه روابط دیپلماتیک دو کشور هم منزل خواهد کرد.^{۷۷} در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۷، توافق‌نامه پروژه خریف با انگلستان برای ساخت سه شناور برای نیروی دریایی سلطنتی عمان به امضا رسید. این قرارداد در راستای هدف نوسازی و تقویت کیفی نیروهای نظامی عمان به اجرا در می‌آید.^{۷۸}

آشکار است که رقابتهای تسلیحاتی بین کشورهای منطقه تشدید شده، به نحوی که بسیاری از آنها درصد قابل توجهی از منابع ملی خود را به بخش نظامی و دفاعی اختصاص داده‌اند تا از رقبا و دشمنان احتمالی خود عقب نمانند. گرچه پیامدهای کوتاه مدت تحمیل نظامی سنگین (یعنی درصد سهم زیاد هزینه‌های نظامی از بودجه کل کشور) برای توسعه اقتصادی برای افرادی که به دقت الگوی مالیه عمومی و تصمیم‌گیریهای برنامه و بودجه‌ای در کشورهای منطقه‌ای را مطالعه می‌کنند آشکار است، اما مشخص نیست که اثر بلندمدت ادامه مسابقات تسلیحاتی منطقه‌ای برای امنیت خلیج فارس چه خواهد بود. نمی‌توانیم به طور دقیق به این پرسش پاسخ دهیم که آیا مسابقات تسلیحاتی بین کشورهای خلیج فارس به اوج گیری اختلافها و بحرانهای سیاسی دامن زده است، یا در واقع احتمال وقوع درگیریهای نظامی و جنگها را کمتر کرده است. بنابراین نیازی به یک تحلیل کمی - کیفی برای تعیین ماهیت پیامدهای بازدارندگی یا تشدید مسابقات تسلیحاتی در این منطقه راهبردی مشهود است. جنگ ایران و عراق نشان داد که رقابت تسلیحاتی بین دو کشور همسایه نمی‌تواند مانع از بروز جنگی خانمان سوز و پرهزینه شود، لیکن ادعای بی اساس امارات متحد عربی در مورد جزایر ایرانی منجر به درگیری نظامی بین ایران و امارات نشده است؛ در شرایطی که یک کشور (ایران) از قدرت نظامی برتری در مقایسه با کشور دیگر (امارات) برخوردار است.

سیاستهای کشورهای عرب خلیج فارس در قبال ایران

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از دو سیاست برای مقابله با درگیریهای آینده در منطقه بهره برداری کرده‌اند: ۱. اتخاذ موضع بی طرفی و ایجاد روابط اقتصادی و سیاسی با سایر کشورها؛ ۲. ارتقای تواناییهای امنیتی و نظامی با خریداری پیشرفته‌ترین تسلیحات و امضای قراردادهای دفاعی و امنیتی با بزرگ‌ترین قدرتهای غربی.^{۷۹} رهبران این دولتها تصور می‌کنند با برقراری روابط تجاری مستحکم با قدرتهای غربی و شرقی قادر خواهند بود از اختلافها و بی‌ثباتیهای منطقه مصون باشند. بسیاری از آنان تمایل دارند تا وابستگی به درآمدهای نفتی را با سرمایه‌گذاری در بخشهای غیرنفتی کاهش دهند. دویی توانسته تا حدی

به این هدف نزدیک شود؛ زیرا درآمدهای نفتی این امیرنشین تنها ۱۲ درصد از کل درآمدش را تشکیل می‌دهد.^{۸۰} در سیاستهای اعضای شورا در قبال ایران نوسانات آشکاری وجود داشته است. عربستان سعودی در سالهای ۹۵ - ۱۹۹۰ دنباله روی واشنگتن بوده، میلیاردها دلار اسلحه از آمریکا خریداری کرد از کنفرانس مادرید و توافق نامه اسلو حمایت کرد و حتی تاحدی به تحریم اسرائیل پایان داد. در سپتامبر ۱۹۹۷، سفر هیأت بلند پایه عربستان سعودی به رهبری شاهزاده عبدالله در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران، نشانه‌ای از تغییر مثبت در روابط دوجانبه بود. ملاقاتهای پی در پی مقامات دو کشور و بازدید یک کشتی جنگی ایرانی از جده ادامه روند بهبود روابط را به نمایش گذارد. قطر هرگز سیاست مهار دوجانبه آمریکا را مورد تایید قرار نداد. بحرین نیز به پیروی از سیاست عربستان سعودی از آیت... رفسنجانی، رییس جمهور وقت ایران، در مارس ۱۹۹۸ استقبال گرمی کرد.

امارات متحده عربی به دلیل اختلافش بر سر جزایر سه گانه موضع ضد ایرانی و طرفدار عراق را برگزیده بود. امارات برای جلوگیری از گسترش نفوذ ایران با سیاست آمریکا برای براندازی رژیم صدام حسین مخالفت می‌کرد.^{۸۱} در اجلاسهای سالانه و مذاکرات چند جانبه، کشورهای هم پیمان با امارات از ادعایش در قبال جزایر ایرانی حمایت کرده‌اند، اما این حمایت بیشتر جنبه نمادین داشته و از اعلام موضع رسمی فراتر نرفته است. در بیانیه پایانی بیست و ششمین اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس برگزار شده در ابوظبی در ۱۹ - ۱۸ دسامبر ۲۰۰۵، در مورد ادعای امارات آورده شد: «در ارتباط با تداوم اشغال سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک متعلق به امارات متحده عربی از سوی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی موضع شناخته شده و ثابت خود را که در همه بیانیه‌های پیشین تایید شده است بیان کرد. حمایت از حق حاکمیت امارات متحده عربی بر سه جزیره اش شامل تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، و بر آبهای قلمرویی، هوا، فلات قاره‌ای، و منطقه اقتصادی سه جزیره - نظر به اینکه آنها بخش لاینفک امارات می‌باشند.»^{۸۲} در بیانیه اجلاس نوزدهم شورا در ابوظبی که در ۹ - ۷ دسامبر ۱۹۹۸ برگزار شد نیز این مسئله در رابطه با ایران اشاره شد و از ایران خواسته شد تا از ساخت و سازهایی با هدف تغییر ویژگی جمعیتی

جزایر پرهیز کند.^{۸۳} کویت از سایر کشورهای شورا وابستگی بیشتری به واشنگتن داشته و در ضمن زیر فشار رژیم بعثی صدام حسین قرار داشت. در نتیجه، دولت کویت از سیاست آمریکا در قبال عراق حمایت کرد، اما دیدگاهش نسبت به ایران تاحدی متفاوت بود؛ زیرا ایران وزنه ای لازم برای ایجاد توازن در روابط کویت و بغداد به شمار می آمد. گرچه حکام کویتی برای بقای رژیم خود باید کماکان بر آمریکا متکی باشند، اما تمایل ندارند که به دشمنی با ایران متهم شوند. روابط عمان با ایران در مقایسه با سایر کشورهای عضو شورا نزدیک ترین بوده و مقامات دولت عمان با سیاست آمریکا برای انزوای ایران مخالفت خود را ابراز کرده بودند. برتری قدرت ایران، علاقه مندی این کشورها به برقراری ثبات و امنیت در خلیج فارس و وابستگی خارجی آنها مانع از اتخاذ سیاستهای چالشی و ضدایرانی شورای همکاری خلیج فارس خواهد شد.

راه پیش رو

برای ترسیم آینده خلیج فارس باید دست کم به سه پرسش پاسخ دهیم:

۱. آیا آمریکا راهبرد امنیت ملی خود را در آینده نیز بر مداخله گرایی به کمک پیمانهای سیاسی و نظامی و ترتیبات امنیتی مستلزم استقرار نیرو و تجهیزات نظامی در پایگاههای کشورهای خلیج فارس استوار خواهد کرد؟ در ۱۸۲۱، جان کوئینسی ادامز، ششمین رئیس جمهور آمریکا، هشدار داد که آمریکایی ها باید از هوس خارج رفتن در «جستجوی هیولایی برای نابودی» پرهیزند.^{۸۴} حتی با رفع تهدید کمونیسیم، صدام حسین اعدام شده و القاعده فراری، نومحافظه کاران آمریکایی هنوز نظام جهانی را بی ثبات و تهدیدکننده منافع ملی حیاتی آمریکا می پندارند. طرفداران ایجاد امپراتوری آمریکایی، خلیج فارس را به حال خود رها نخواهند کرد. آنان به فروش اسلحه به کشورهای غنی در نفت و دادن کمکهای نظامی به هم پیمانانشان در منطقه ادامه خواهند داد. بیانیه ها و رویدادهای اخیر برای طرفداران خروج آمریکا از منطقه چندان دلگرم کننده نیست. در ماه مه ۲۰۰۶، آمریکا اقدام به اجرای راهبرد مهار جدیدی با همکاری همسایگان ایران در خلیج فارس نمود. هدف این

راهبرد کمک به این کشورها برای دستیابی به سیستمهای دفاع موشکی و نیز کسب توانایی توقیف و بازرسی کشتیهای مشکوک به حمل فناوری هسته ای اعلام شده است. مصاحبه اخیر جورج بوش نشان دهنده ادامه این سیاستهای نابخردانه نومحافظه کارانه است. وی مصمم است تا محیط راهبردی و سیاسی خلیج فارس را به طور اساسی به نفع منافع آمریکایی با حضور نظامی خود در عراق و مقابله مستمر با سیاستهای منطقه ای ایران تغییر دهد.

۲. آیا همسایگان عرب ایران در خلیج فارس آمادگی اتخاذ سیاستی مستقل از قدرتهای بزرگ و همکاری جدی منطقه ای را با ایران خواهند داشت؟ در این مورد نیز نمی توان به تغییر دیدگاهها و سیاستها در آینده نزدیک امیدوار بود. رهبران چپ گرا و پان عربیست در خاورمیانه حتی سالها پیش از ایجاد جمهوری اسلامی ایران از واژه نادرست «خلیج عربی» به جای نام تاریخی «خلیج فارس» استفاده کرده بودند. جمال عبدالناصر مصری، معمر قذافی لیبیایی و صدام حسین عراقی در زمره این رهبران قرار دارند که قصد داشتند با این کار جایگاه نسبی برتر ایران را در منطقه تنزل دهند. هم اکنون رهبران سیاسی عربستان سعودی از قرار نگران افزایش نفوذ شیعیان و ایران در عراق و منطقه خاورمیانه می باشند، اما در مورد چگونگی رفع این مشکل و به ویژه روش برخورد با ایران در بین آنها اختلاف نظر شدید دیده می شود. گروهی از سران این کشور بر این باورند که با افزایش قدرت ایران و شناسایی اهمیت نقش ایرانی ها در حل مسئله بفرنج نامنی عراق از سوی سیاست مداران آمریکایی، نفوذ و جایگاه نسبی عربستان تنزل خواهد کرد. گروهی دیگر می دانند که تنها با همکاری ایران و سایر کشورهای منطقه ای می توان گره مسایل امنیتی را گشود. شاهزاده بندر بن سلطان، سفیر پیشین در آمریکا و مشاور امنیت ملی عربستان، در ملاقاتی با کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، از مقامات آمریکایی درخواست کرد که با ایران و سوریه در مورد حل مسئله عراق مذاکره نکنند. برعکس، ترکی الفیصل، رییس سابق آژانس اطلاعاتی عربستان و سفیر وقت عربستان در واشنگتن، دولت بوش را به گفتگوی مستقیم با ایران تشویق کرده بود. وی در اکتبر ۲۰۰۶ در مورد اهمیت مذاکره با ایران بیان داشت: «عربستان اغلب با ایران مذاکره می کند، به نظر من عدم گفتگوی آمریکا با ایران یک اشتباه است. ما این تجربه را

داشته ایم. در دهه ۹۰ هنگامی که روابطمان با ایران تا چند سال قطع شده بود و با این کشور مذاکره نکردیم، دچار مشکلات بیشتری شدیم. اما از آن زمان تاکنون روابطمان بهبود بسیاری یافته و به نفع هر دو کشور بوده است. بنابراین به نظر ما مذاکره و گفتگو با دیگران مهم تر از بستن درها به روی آنهاست.^{۸۵} این تضاد آشکار بین رهبران عالی رتبه ریاض از دلایل استعفای ناگهانی ترکی الفیصل و بازگشت وی از واشنگتن تصور می شود. دیک چنی، معاون اول جورج بوش، در دیدار اخیرش با پادشاه عربستان برای حل خشونت گسترده در عراق و دیگر موضوعات منطقه که به نوعی با سیاستهای آمریکا درگیر است، از جمله مسئله لبنان، درگیری اسرائیل و فلسطین و پرونده هسته ای ایران، از عربستان درخواست کمک کرد. به نظر می آید ریاض در سیاستهایش در قبال ایران و عراق دنباله روی از واشنگتن را پیشه کرده باشد، به حدی که در صورت تحول در سیاستهای آمریکا در خلیج فارس بتوانیم تغییر در سیاستهای کلی حاکمان عربستان را انتظار داشته باشیم.

۳. آیا ایران در سیاستهای منطقه ای خود تجدیدنظر خواهد کرد؟ ایران به دلیل اهداف ملی و توانایی نظامی مستقلش که با منافع آمریکا در تضاد می باشند، تنها کشور منطقه خلیج فارس است که چالش امنیتی جدی برای موفقیت سیاستهای خاورمیانه ای آمریکا به شمار می آید. پژوهشگران غربی استدلال می کنند که گرچه تجهیزات نظامی ایران در مقایسه با سایر کشورها دارای کیفیت پایین و قدیمی تری بوده، اما ایران منابع مالی محدود خود را در بخشهایی سرمایه گذاری کرده تا بتواند توانایی بازدارندگی و دفاعی کسب کند. یعنی اگر در شرایطی ایران نتواند بر اثر محاصره دریایی و حمله نظامی دشمنانش از خلیج فارس استفاده کند، بتواند برای حفظ منافع خود از استفاده دیگران از این آبراه جلوگیری کند. رقبای ایران، برنامه خریداری و تولید تسلیحاتی مانند زیردریایی، مین، و موشکهای ضد موشک را دلیلی برای هدف مسدود کردن تنگه هرمز در شرایط بحران و جنگ می شناسند، و از کسب توانایی بالقوه تولید سلاحهای اتمی ایران حتی برای بازدارندگی نگران هستند. هدف اصلی ایران دفاعی بوده و می خواهد قادر باشد که از دسترسی نیروهای دریایی تجاوزگر جلوگیری کرده و یا دست کم موانعی برای ایجاد وقعه در برابر عملیات جنگی

ضدایرانی به وجود آورد.

اهداف سیاست خارجی منطقه ای ایران به عنوان یکی از مهم ترین بازیگران خلیج فارس تاثیر بسیار برجسته ای بر امنیت کل منطقه دارد. با وجود تصویر بدبینانه ای که در مورد احتمال تشکیل یک نظام امنیتی باثبات با همکاری ایران و همسایگانش در خلیج فارس ترسیم می شود، رویدادهای نشان دهنده همکاری بیش از اختلاف در روابط بین کشورهای منطقه ای مشاهده می شود. از پایان جنگ ایران و عراق در ۱۹۸۸، دولت تهران در تلاش بوده تا روابط خود را با اعضای شش گانه شورای همکاری خلیج فارس گسترش دهد، اما هنوز با ایجاد یک نهاد امنیتی دستجمعی متشکل از تمام کشورهای منطقه فاصله زیاد داریم. تازمانی که سایر بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای از سیاستهای ضدایرانی خود دست بردارند و جایگاه واقعی ایران را در نظام امنیتی خلیج فارس به رسمیت نشناسند، به نظر می رسد که کماکان شاهد تداوم سیاست استقلال طلبی و برتری جویانه دولت جمهوری اسلامی ایران باشیم. در چنین شرایطی احتمال وقوع درگیری نظامی را در این منطقه نمی توان نادیده گرفت. نبود یک نظام امنیتی مؤثر در منطقه برای قدرتهای بیگانه موقعیت مناسبی را جهت افزایش چشمگیر نفوذ آنها برای تغییر ماهیت رژیمهای سیاسی و محیط امنیتی منطقه ای فراهم آورده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۱. اهداف اصلی سیاست خارجی ایران در خلیج فارس

۱. دسترسی آزاد و امن به آبهای بین المللی؛
۲. تضمین امنیت مرزهای جنوبی و آبراه های حیاتی کشور از جمله تنگه هرمز؛
۳. نظارت مستمر بر حضور نیروهای نظامی خارجی در آبهای ساحلی؛
۴. حمایت از محیط زیست منابع خلیج فارس برای حصول اطمینان از حفظ آبزیان و جلوگیری از آلودگی آب؛
۵. مبارزه با تروریسم دریایی؛
۶. جلوگیری از قاچاق کالا، اسلحه، مواد مخدر و انسان؛
۷. غیر نظامی کردن منطقه خلیج فارس و به ویژه خروج نیروهای نظامی خارجی؛
۸. تشویق همکاری اقتصادی و سیاسی در خلیج فارس؛
۹. ایجاد یک نظام امنیتی مؤثر به منظور به حداقل رساندن نفوذ قدرتهای فرامنطقه ای.

جدول ۱. ویژگیهای جغرافیایی کشورهای خلیج فارس، عضویت آنها در شورای همکاری خلیج فارس و سازمان بین‌المللی دریایی

کشورهای همسایه، همز مشترک یا کیلومتر	ادعای آنها یا ساحلی •• به مایل دریایی	ساحل به • کیلومتر	مساحت آبی به کیلومتر مربع	مساحت کل به کیلومتر مربع	سازمان بین‌المللی دریایی ••	شورای همکاری خلیج فارس *	کشور
عمان، ۲۵۷، عمان، ۲۱۰	۲۲۱۲	۱۲۱۸	-	۸۲۸۰	۱۹۸۰	۱۹۸۱	امارات متحده عربی
افغانستان، ۹۲۵، عربستان، ۲۲۵، ایران، ۱۷۹ (بخشخوان ۲۲۲، عراق، ۱۲۸، پاکستان، ۸۰، ترکی، ۴۹۹، ترکمنستان، ۹۲۲	۲۲۸۲	۲۲۴۰	۱۲۰۰۰	۱۶۲۸۰۰۰	۱۹۵۸	-	ایران
ایران، ۱۲۵۸، اردن، ۱۸۱، کویت، ۲۴۰، عربستان، ۸۱۴، سوریه، ۶۰۵، ترکی، ۲۵۲	۲۲۸۲	۱۶۱	-	۶۶۵	۱۹۶۶	۱۹۸۱	بحرین
عراق، ۸۱۴، اردن، ۱۸۱، کویت، ۲۲۲، عمان، ۶۶۶، قطر، ۶۰، امارات، ۲۵۷، یمن، ۲۵۸	۱۸۱۲	۲۶۴۰	-	۱۶۶۰۵۸۲	۱۹۶۹	۱۹۸۱	عربستان سعودی
عربستان، ۶۶۶، امارات، ۲۵۷، یمن، ۲۵۸	۲۲۸۲	۲۰۹۲	-	۱۱۲۴۶۰	۱۹۷۴	۱۹۸۱	عمان
عربستان، ۶۰	۲۲۸۲	۵۶۲	-	۱۱۴۲۷	۱۹۷۷	۱۹۸۱	قطر
عراق، ۲۲۰، عربستان، ۲۲۲	۲۲۱۲	۲۹۹	-	۱۷۸۲۰	۱۹۶۰	۱۹۸۱	کویت
عمان، ۲۵۸، عربستان، ۲۵۸	۲۲۱۲	۱۹۰۶	-	۵۲۷۲۰	۱۹۷۹	-	یمن

* شورای همکاری خلیج فارس در ۱۹۸۱ در پی وقوع جنگ ایران و عراق ایجاد شد و مقرش در ریاض واقع شده است.

** سازمان بین‌المللی دریایی (آی.ام.ای) به عنوان یکی از نهادهای ویژه سازمان ملل بر مبنای کنوانسیون مصوبه ۱۷ مارس ۱۹۴۸ به وجود آمد و نخستین بار در ژانویه ۱۹۵۹

تشکیل جلسه داد.

● این آمارها از **the CIA-World Factbook** گرفته شده است. تاریخ به روز کردن آنها ژانویه ۲۰۰۶ است.

●● نخستین رقم نشان دهنده ادعای وسعت دریای قلمرویی، و دومین رقم ادعای منطقه هم جوار به مایل دریایی است.

جدول ۲. ویژگیهای دموگرافیک و برخی شاخصهای توسعه در کشورهای خلیج فارس

نرخ تولید ناخالص داخلی ۲۰۰۳ (PPPS)	ارزش شاخص توسعه انسانی از بین ۱۷۷ کشور (۲۰۰۳)	رتبه شاخص توسعه انسانی (در بین ۱۷۷ کشور ۲۰۰۳)	ارزش شاخص توسعه انسانی ۲۰۰۳	امید به زندگی در بدو تولد به سال در ۲۰۰۳	% نرخ باسوادی بزرگسالان، ۲۰۰۳	% نرخ باسوادی بزرگسالان، ۲۰۰۳	کل جمعیت میکروموسی (۲۰۰۵)	کشور
۲۲۲۲۰	۴۱	۰،۸۲۹	۷۸،۰	۷۷،۲	۸۰،۷	۲۵۶۲۲۱۲ (۱۶۰۶۰۷۹)	امارات متحده عربی	
۶۹۹۵	۹۹	۰،۷۲۶	۷۰،۴	۷۷،۰	۷۰،۴	۶۸۰۱۷۸۶۰	ایران	
۱۷۲۷۹	۲۲	۰،۸۲۶	۷۲،۳	۸۷،۷	۸۲،۰	۶۸۸۲۴۵ (۲۳۵۱۰۸)	بحرین	
-	-	-	۵۸،۹	۴۹،۷	-	۲۶۰۷۴۹۰۶	عراق	
۱۳۲۲۶	۷۷	۰،۷۷۲	۷۱،۸	۷۹،۲	۶۹،۳	۲۶۴۱۷۵۹۹ (۵۵۷۶۰۷۶)	عمان عربستان سعودی	
۱۳۵۸۴	۷۱	۰،۷۸۱	۷۲،۱	۷۴،۴	۶۵،۲	۳۰۰۱۵۸۳ (۵۷۷۲۹۲)	عمان	
۱۹۸۴۴	۴۰	۰،۸۲۹	۷۲،۸	۸۹،۲	-	۸۶۳۰۵۱	قطر	
۱۸۰۴۷	۲۲	۰،۸۴۴	۷۶،۹	۸۲،۹	۸۱،۰	۲۳۴۶۲۸ (۱۲۹۱۲۵۴)	کویت	
۸۸۹	۱۵۱	۰،۶۸۹	۶۰،۶	۴۹،۰	۲۸،۵	۲۰۷۲۷۰۶۲	یمن	

* از رقم تخمینی برای رتبه ۲۰۰۵ است و از سایت زیر برای هر کشور گرفته شده و در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۶ به روز شده بود. ارقام واقع شده در پرانتز نشان دهنده شمار غیربومیانی است که در آمار کل جمعیت برخی از کشورهای خلیج فارس در نظر گرفته شده اند. ر.ک:

<http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/index.html>

● آمار شاخص توسعه انسانی از گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۵ برنامه توسعه سازمان ملل گرفته شده است. ر.ک:

<http://hdr.undp.org/statistics/data/>

جدول ۲. ثروت منابع طبیعی کشورهای خلیج فارس در پایان سال ۲۰۰۴

ذخایر نفت ثابت شده (هزار میلیون بشکه)	تولید نفت (% سهم از کل)	تولید نفت (% سهم از کل)	تولید نفت (% سهم از کل)	ذخایر ثابت شده گاز (زیلیون مترمکعب)	ذخایر ثابت شده گاز (% سهم از کل)	ذخایر ثابت شده گاز (% سهم از کل)	تولید گاز طبیعی (% سهم از کل)	کشور
۹۷,۸	۸,۲	۳,۲	۶,۰۶	۲,۴	۱,۷	۱,۷	امارات متحده عربی	
۱۳۲,۵	۱۱,۱	۵,۲	۲۷,۵۰	۱۵,۳	۳,۲	۳,۲	ایران	
-	-	-	۰,۰۹	۰,۱	۰,۴	۰,۴	بحرین	
۱۱۵,۰	۹,۷	۲,۶	۳,۱۷	۱,۸	-	-	عراق	
۲۶۲,۷	۲۲,۱	۱۳,۱	۶,۷۵	۳,۸	۲,۴	۲,۴	عربستان سعودی	
۵,۶	۰,۵	۱,۰	۱,۰۰	۰,۶	۰,۷	۰,۷	عمان	
۱۵,۲	۱,۲	۱,۲	۲۵,۷۸	۱۴,۴	۱,۵	۱,۵	قطر	
۹۹,۰	۸,۳	۳,۱	۱,۵۷	۰,۹	۰,۴	۰,۴	کویت	
۲,۹	۰,۲	۰,۵	۰,۴۸	۰,۳	-	-	یمن	
۷۲۰,۸TMB	۶۱,۴۷	۲۹/۹۰	۷۲,۴۱TCM	۴۰,۳۳	۱۰/۱	۱۰/۱	کل خلیج فارس	
۱۱۸۸,۶TMB	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۱۷۹,۵۳TCM	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	کل جهان	

آمارها از گزارشهای بریتیش پترولیوم گرفته شده است:

British Petroleum, *Putting Energy in the Spotlight: BP Statistical Review of World Energy*, London: BP, June 2005, pp. 4, 6 and 20.

جدول ۴. شاخصهای مهم نظامی شدن کشورهای خلیج فارس، ۲۰۰۵-۲۰۲۰

کشور	هزینه نظامی	تعمیر نظامی	پرسنل نظامی	پرسنل نیروی دریایی	شناورهای مین گذار	تعداد زیردریاهای	کل هواپیمای جنگنده	کل ناوهای اصلی نیروی
(به میلیون دلار، ۲۰۰۲)	(به درصد، ۲۰۰۲)	(به هزار نفر، ۲۰۰۵)	(به هزار نفر، ۲۰۰۵)	(به هزار نفر، ۲۰۰۵)	(۲۰۰۵)	(۲۰۰۵)	(۲۰۰۵)	(۲۰۰۵)
قطر	۲۶۲۲	۶۰	۱۲۶	۲	۰	۰	۰	۰
عمان	۱۸۷۷	۸٫۷	۱۲۲٫۵	۱۵٫۵	۰	۰	۰	۰
کویت	۳۷۷۷	۶۰	۱۵۵	۲	۰	۰	۰	۰
یمن	۸۰۷	۷٫۱	۶۶٫۷	۱٫۸	۰	۰	۰	۰
کل خلیج فارس	۲۲۰۵۹	..	۸۶۲٫۵	۶۸٫۹	۰	۰	۰	۰
کل جهان	۱۲۷۰۰۰۰

* آمار مربوط به هزینه های نظامی به میلیون دلار و نرخ تبدلات ارزی و قیمت های ثابت ۲۰۰۳ از منبع زیر گرفته شده است: SIPRI, SIPRI Yearbook 2005, Armaments, Disarmament and International Security, Oxford: Oxford University Press, for SIPRI, 2005, pp. 346 and 361.

تحمیل نظامی درصد سهم هزینه نظامی از تولید ناخالص داخلی هر کشور است. آمار از منبع پیشین، ص ۲۶۷ گرفته شده است. آمار کل پرسنل نظامی فعال در هر کشور نشان داده شده به هزار نفر برای ۲۰۰۵ از منبع زیر آورده شده است:

■ آمار کل پرسنل نظامی فعال در هر کشور نشان داده شده به هزار نفر برای ۲۰۰۵ از منبع زیر آورده شده است: Anthony H. Cordesman, *The Military Balance in the [Persian] Gulf: the Dynamics of Force Developments*, Washington, DC: CSIS, April 13, 2005, pp. 11-12.

همراه با مصاحبه هایی که کوردمن برای پژوهش خود انجام داده، وی از داده های گردآوری شده در چهار منبع زیر نیز بهره برده است: International Institute for Strategic Studies' Military Balance (London), Jaffee Center for Strategic Studies' Military Balance in the Middle East (Tel Aviv), Jane's Sentinel, and Periscope.

● آمار مربوط به تجهیزات نظامی مانند تانک های بزرگ زرمی، جت های جنگنده، زیردریایی و شناورهای مین گذار برای هر کشور از منبع پیشین استفاده شده است.

جدول ۵. گلچینی از بیانات رسمی رهبران ارشد سیاسی ایران درباره خلیج فارس،

به ترتیب زمانی از بیانیتهای جدید به قدیمی ترها

نام و مقام رسمی در دولت	بیانیه/تاریخ	مسئله مهم
محمود احمدی نژاد، رییس جمهور	حضور بیگانگان مانع اصلی برقراری امنیت در منطقه است. (ژانویه ۲۰۰۷)	حضور بیگانگان در خلیج فارس
محمود احمدی نژاد، رییس جمهور	در بازدیدی از استان جنوبی هرمزگان، احمدی نژاد بیان داشت که «قدرتهای بزرگ همواره برای نظارت بر خلیج فارس برنامه ریزی کرده، کوشیده اند تا بین ملل منطقه تفاهت بیفکنند. وی در خواست بهبود روابط با همسایگان خلیج فارس ایران و نیز خروج نیروهای خارجی از منطقه نمود. (ژانویه ۲۰۰۶)	حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس
پرویز داودی، معاون اول رییس جمهور	ایران از خلع سلاح اتمی و ایجاد مناطق عاری از جنگ افزارهای هسته ای در منطقه و جهان پشتیبانی می کند. (ژانویه ۲۰۰۶)	منطقه عاری از تسلیحات اتمی
مصطفی محمد نجار، وزیر دفاع	امنیت خلیج فارس باید با تلاشهای دستجمعی کشورهای منطقه ای بدون نیاز به مداخله قدرتهای خارجی تضمین شود. (ژانویه ۲۰۰۶)	مداخله قدرتهای خارجی
منوچهر متکی، وزیر امور خارجه	ایران روابطی در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با شورای همکاری خلیج فارس برقرار کرده است. ایران علاقه خود را برای گسترش خطوط راه آه آن با آذربایجان و سایر همسایگان شمالی نشان داده است، و به عنوان یک پل ارتباطی بین کشورهای حاشیه دریای خزر و منطقه خلیج فارس عمل می کند. (نوامبر ۲۰۰۵)	ایران به عنوان زنجیره ارتباطی بین دریای خزر و خلیج فارس
منوچهر متکی، وزیر امور خارجه	کشورهای همسایه نقش بزرگی در کمک به عراق در گذشته برای حل مشکلات داشتند. آرزوی همگانی کشورهای این منطقه یافتن راه حلی برای عراق است. ما از این فعالیتهای تلاشها از سوی همسایگان عراق در این راستا حمایت می کنیم. (اکتبر ۲۰۰۵)	عراق
محمود احمدی نژاد، رییس جمهور	تهران آمادگی دارد تا روابط برادرانه ای را در خلیج فارس توسعه دهد، و کمک کند تا خلیج فارس به مرکز دوستی و برادری تبدیل شود. و ایران قدرتمند بهترین دوست کشورهای همسایه و بهترین حافظ امنیت منطقه ای می باشد. (اوت ۲۰۰۵)	روابط ایران با همسایگانش در خلیج فارس
محمد صدر، مشاور رییس جمهور	امنیت خلیج فارس هرگز به کشورهای منطقه ای وابسته نبود. (مارس ۲۰۰۵)	نقش قدرتهای منطقه ای
محمد شریعتمداری وزیر پیشین بازرگانی	ایران علاقمند به توسعه روابط تجاری و اقتصادی با امارات متحده عربی است. وی پیش بینی کرد که روابط تجاری بین دو کشور با گشودن مرکز تجاری ایران در دبی مستحکم تر خواهد شد. (مه ۲۰۰۵)	گسترش روابط با امارات متحده عربی
حمیدرضا اسفندی سخنگوی سابق وزارت امور خارجه	داین جزایر بخش جدا نشدنی از سرزمین ایران بوده و چنین باقی خواهند ماند. ادعاهای مطرح شده در این مورد فاقد هر نوع پایه و اساس قانونی می باشد. (ژوئن ۲۰۰۵) دسه جزیره ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ بخش جدانشدنی از قلمرو ایران بوده و هر ادعایی در این خصوص رد خواهد شد. (مه ۲۰۰۵) دسه جزیره ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ بخشهای لاینفک ایران می باشند. (آوریل ۲۰۰۵) دسه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی بخش جدانشدنی و لاینفک قلمروی ایران می باشند. (دسامبر ۲۰۰۴)	انتسقاد از کشورهای عربی خلیج فارس برای دخالت مفرضانه در سوء تفاهم با امارات متحده عربی بر سر سه جزیره ایرانی
	پاسخ به ادعاهای معاون نخست وزیر و معاون وزیر امور خارجه امارات متحده عربی منتشر شده در یکی از روزنامه های اماراتی	

۱. «رییس جمهوری: ملتهای منطقه می توانند امنیت را در منطقه برقرار کنند» خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۱ دی ۱۳۸۵، (۱ ژانویه ۲۰۰۷).

2. "Iran wants 'evil' forces out of Persian Gulf," *IranMania*, Friday, January 13, 2006.
3. "Vice president: Iran calls for Nuclear-weapons Free Region," *IRNA*, 29 January, 2006.
4. "Iran deems Kuwait's security as its own: Najjar," *IranMania*, Monday, January 30, 2006.
5. "Mottaki: Tehran-Baku ties not against any country," *IRNA*, November 28, 2005.
6. "Iran shrugs off Saudi concerns on Iraq," *IranMania*, Wednesday, October 05, 2005.

7. "Ahmadinejad: Iran keen to turn Persian Gulf into a center of friendship," *IRNA*, August 28, 2005.
8. "Presidential advisor underlines security of Persian Gulf," *IRNA*, March 2, 2005.
9. "Iran-UAE keen on expanding investments, trade relations," *IRNA*, May 7, 2005.
10. "Asefi hits at PGCC statement on Iranian islands," *IRNA*, June 12, 2005.
11. "PGCC reiterates support for UAE claims on Iran's islands," *IRNA*, May 28, 2005.
12. "Three Persian Gulf islands, integral parts of Iran," *IRNA*, April 6, 2005.
13. "PGCC FMs to meet in Bahrain," *IRNA*, December 5, 2004.
14. "Persian Gulf islands, inseparable part of Iran," *IranMania*, Wednesday, September 15, 2004.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پاورقیها:

۱. این کشورها شامل ایران، امارات متحده عربی، بحرین، عراق، عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر و یمن می شوند. برای آمارهای نشانگر ویژگیهای جغرافیایی این کشورها از جمله مساحت خشکی و طول سواحل و مرزهای مشترک با همسایگانیشان همراه با اطلاعاتی در مورد عضویت در شورای همکاری خلیج فارس و سازمان بین المللی دریایی به جدول یک بنگرید.

2. Prince claims Yemen is not GCC Material: GCC Snub? *Yemen Times*, January 14, 2004.

۳. نگرش منفی مقامات عربستان سعودی موجبات شگفتی و دلسردی مقامات یمنی را فراهم آورد، زیرا دولت یمن سالهاست که درخواست عضویت رسمی خود را به این شورا داده و در برخی از کمیته های آن نیز وضعیت ناظر دارد. عربستان و یمن بر سر مسئله ورود غیر قانونی افراد و قاچاق اسلحه اختلاف داشته اند، به نحوی که دولت ریاض مجبور به تجهیز گارد مرزی خود به دوربینهای پیشرفته و ساخت نرده های سیم کشی شده در مرزهای مشترک دو کشور شد. رئیس جمهور یمن در مصاحبه ای با یک روزنامه کویتی در این مورد به کنایه گفت: «دولتهای خلیج فارس در شرف پذیرش یمن در بازیهای فوتبال شورای همکاری خلیج فارس هستند و شاید در مرحله بعدی آنها به ما اجازه شرکت در بازیهای بسکتبال را بدهند»، دولت و مردم یمن از احساس فخر و بزرگ نمایی کشورهای خلیج فارس در برخورد با یمن گله مند می باشند. در پایان بیست و ششمین اجلاس سران این شورا در دسامبر ۲۰۰۵، دبیر کل شورا تاکید کرد که یمن باید مبادرت به اصلاحات اساسی نماید تا شاید در سال ۲۰۱۶ بتواند به عضویت شورای همکاری خلیج فارس درآید. رئیس جمهور یمن در نامه ای از رهبران عرب خلیج فارس خواسته بود تا موقعیتهای سرمایه گذاری در کشورش را بررسی کنند. در پی امضای معاهده تعیین حدود مرزهای جده از سوی یمن و عربستان سعودی و گسترش روابط اقتصادی یمن با کشورهای عضو شورا در دو سال گذشته احتمال عضویت این کشور عرب کم درآمد در این نهاد منطقه ای بیشتر شده است.
رک:

“Yemen Hopeful to Join GCC in 2016,” *Yemen Times*, December 19, 2005; “GCC Okays Preliminary Steps to Yemens Entry,” *Yemen Times*, June 4, 2005.

4. Daniel L. Byman and Jerrold D. Green, “The Enigma of Political and Stability in the Persian Gulf Monarchies,” *MERIA*, Vol. 3, No. 3, September 1999.

5. Graham E. Fuller and Ian O. Lesser, “Persian Gulf Myths,” *Foreign Affairs*, Vol. 76, No. 3, 1997, pp. 42-52; and Simon Henderson, “Map Wars: The UAE Reclaims Lost Territory from Saudi Arabia,” *PolicyWatch*, No. 1069, January 19, 2006, at: <<http://www.washingtoninstitute.org/templateC05.php?CID=2431>>.

۶. در ۱۹۸۶، حمل دریایی کالاها از نظر حجم بیش از ۸۰ درصد از تجارت بین الملل را در بر می گرفت. برای بحثی پیرامون ارزش اقتصادی دریاها، رک:

Eric Grove, *The Future of Sea Power*, London: Routledge, 1990.

7. Andrew Rathmell and Others, *A New Persian Gulf Security System*, Santa Monica: RAND, 2003.

۸. منطقه زیر پوشش فرماندهی مرکزی آمریکا ۲۷ کشور خاورمیانه و آسیای جنوب غربی را در بر گرفته و شامل قلمروی وسیعی با عرض ۵۰۰۰ کیلومتری از غرب به شرق و طول ۵۷۵۰ کیلومتری از شمال به جنوب آن است. این فرماندهی نظارت بر بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان (به طور تقریبی، ۶۵ درصد از نفت و گاز جهان در منطقه سنت کام قرار دارد) در خلیج فارس و راه‌های تجاری مهمی از جمله تنگه هرمز، کانال سوئز و دریای سرخ را بر عهده دارد. شمار سربازان آمریکایی در این منطقه حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر شامل ۱۴۵۰۰۰ نظامی آمریکایی در عراق، ۹۰۰۰ نفر در افغانستان، و ۱۵۰۰ نفر در شاخ آفریقا است. مقر ناوگان پنجم آمریکا نیز در خلیج فارس قرار دارد. نخستین فرمانده سنت کام در اول ژانویه ۱۹۸۳ در زمان جنگ ایران و عراق منصوب شد، و پس از وی هشت فرمانده مسئولیت فرماندهی را برای دوره‌ای تقریبی ۳ ساله بر عهده داشته‌اند. در ژوئیه ۲۰۰۳، ژنرال جان ابیزید که از خانواده‌ای لبنانی الاصل است، به زبان عربی تسلط داشته و دارای مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات خاورمیانه از دانشگاه هاروارد می‌باشد، به عنوان فرمانده فرماندهی مرکزی (سنت کام) انتخاب شد. در ۴ ژانویه ۲۰۰۷، جورج بوش به دلیل بازنشسته شدن ابیزید، جانشین وی دریا سالار ویلیام جی. فالون را معرفی کرد. این کشورها عبارتند از: اتیوپی، اردن، اریتره، ازبکستان، امارات متحده عربی، افغانستان، ایران، بحرین، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، جیبوتی، سیشل، سودان، سوریه، سومالی، عراق، عربستان سعودی، عمان، قزاقستان، قرقیزستان، قطر، کنیا، کویت، لبنان، مصر، یمن. دو کشور لبنان و سوریه از مرکز فرماندهی اروپا (ئی یو کام) در ۱۰ مارس ۲۰۰۴ به سنت کام منتقل شدند. اسرائیل که در محاصره کشورهای سنت کام قرار دارد، به دلایل سیاسی و نظامی در (ئی. یو. کام) باقی مانده است. سنت کام آب‌های بین‌المللی دریای سرخ، خلیج فارس و بخش‌های غربی اقیانوس آرام را در بر می‌گیرد. برخلاف بیشتر مراکز فرماندهی آمریکا، مقر اصلی سنت کام در منطقه عملیاتی واقع نشده است. اداره مرکزی سنت کام در پایگاه هوایی مک گیل در تامپا در ایالت فلوریدا قرار دارد، اگرچه مقر پیش‌رس، آن در اردوگاه اسپلیه در قطر تشکیل شده است. سنت کام کشورهای خاورمیانه بزرگ را که عضو ائتلاف بین‌المللی علیه تروریسم هستند، به شرح زیر نام می‌برد: اردن، ارمستان، آذربایجان، امارات، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، عربستان سعودی، قزاقستان، قرقیزستان، قطر، گرجستان، مراکش، مصر، یمن. رک:

<http://www.centcom.mil>

9. Jon B. Alterman, "The [Persian] Gulf States and the American Umbrella," *MERIA*, Vol. 4, No. 4, December 2000.

۱۰. در آوریل ۱۹۷۲، شوروی معاهده دوستی و همکاری ۱۵ ساله با عراق منعقد کرد؛ و در دسامبر ۱۹۸۰، معاهده دوستی و همکاری ۲۰ ساله‌ای را با سوریه به امضا رساند.

11. Barry Rubin, "The Persian Gulf after the Cold War: Old Pattern; New Era," *MERIP*, Vol. 3. No. 2. June 1999.

12. Ibid.

13. Patrick Clawson, "Energy Security: The Persian Gulf and the Caspian Sea,"

The Brown Journal of World Affairs, Vol. VII, No. 2, Summer/Fall 2000, pp. 35-41.

14. *State of the Union Address by the President*, Washington, D.C.: United States Capitol, January 31, 2006, at: <http://www.whitehouse.gov/stateoftheunion/2006/index.html>

15. Kenneth Pollack, "Securing the [Persian] Gulf," *Foreign Affairs*, July/August 2003.

16. "Kuwait calls for Strategic Cooperation with NATO," *Agence France-Presse*, December 12, 2006.

17. "Saudi Arabia to sign Security Deal with Italy," *Saudi Gazette*, September 7, 2006.

18. Lawrence Korb, "The [Persian] Gulf and the US National Security Strategy," *Emirates Lecture Series*, No. 59, Dubai: The Emirates Center for Strategic Studies and Research, 2004, p. 5.

19. John O. Bryant and Michael Waterhouse, "U.S. Forces in Iraq," *CRS Report for Congress*, No. RS22449, November 13, 2006, p. 1.

20. [Persian] Gulfwire, e-mail edition, 2003.

۲۱. برای بحث در مورد پیامدها و هزینه های احتمالی حمله آمریکا به عراق پیش از آغاز عملیات جنگی، رک:

Carl Kaysen, Steven Miller and Others, *War with Iraq: Costs, Consequences, and Alternatives*, American Academy of Arts and Sciences, November 2002.

22. Joseph E. Stiglitz and Linda Bilmes, "The Economic Costs of Iraq War: An Appraisal Three Years after the Beginning of the Conflict," *Harvard University Faculty Research Working Paper Series*, No. RWP06-002, November 1, 2006.

۲۲. «جزایر سه گانه ایرانی است، دخالت اروپا و عرب ممنوع»، آفتاب، ۲۲ مه ۲۰۰۴، صص ۱-۲؛ و نیز جزایر سه گانه مثل تهران، اعتماد، ۱۹ مه ۲۰۰۵، صص ۱-۲.

24. "Persian Gulf Islands, Inseparable Part of Iran," *IranMania*, Wednesday, September 15, 2004; and "Three Persian Gulf Islands, Integral Parts of Iran," *IRNA*, April 6, 2005.

۲۵. «بیگانگان عامل انفجار اهواز»، آفتاب، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۲۶. «بست پرده ماجرای فروش دختران در امارات»، اعتماد، ۲۳ خرداد ۱۳۸۳.

27. *Iran News*, December 3, 2005, p. 3.

28. Office to Monitor and Combat Trafficking in Persons, *The Facts About Children Trafficked For Use As Camel Jockeys*, Washington D.C, August 8, 2005, at: <http://www.state.gov/g/tip/rls/fs/2005/50940.htm>.

29. U.S. Department of State, *Trafficking in Persons Report- IRAN (TIER 2)*, at: <<http://www.state.gov/p/nea/ci/75225.htm>>.
30. Saideh Lotfian, "Regional Security System in the Persian Gulf," in Gary Sick and Lawrence Potter, (eds.), *Security in the Persian Gulf: Origins, Obstacles and the Search for Consensus*, New York: Palgrave, 2001.
31. "Iran Proposes 6+2 Treaty to Guarantee Persian Gulf's Security," *IRNA*, October 29, 2006.
32. "Landmark Iran-Saudi Security Deal," *BBC News*, Wednesday, April 18, 2001.
33. Geoffrey Kemp, "The Persian Gulf remains the Strategic Prize," *Survival*, Vol. 40, No. 4, 1998, pp. 132-149.
34. "Iran-UAE Keen on Expanding Investments, Trade Relations," *IRNA*, May 7, 2005; and *IRNA*, March 14, 2005.
35. Abdulaziz Sager, "Let us Not Forget Iran is still a [Persian] Gulf Country," *Khaleej Times*, January 16, 2007.
36. "Drilling in Iran Hengam Gasfield on Tender again," *IranMania*, November 23, 2005.
37. "South Pars Drilling to go ahead without Halliburton," *IranMania*, May 3, 2005.
38. "Iran's FM criticizes US Interventionist Goals", *IranMania*, October 9, 2005.
39. "Washington has Transgressed International Order abusing September 11 Attacks: Safavi," *IRNA*, November 25, 2005.
40. *Salaam*, 28 July 1997, p. 1; and *Ettelaat*, 29 September 1997, p. 2.
41. Donna J. Nincic, "Sea Lane Security and U.S. Maritime Trade: Chokepoints as Scarce Resources," in Sam J. Tangredi, (ed.) *Globalization and Maritime Power*, December 2002, pp. 143-170, at: <http://www.ndu.edu/inss/books/books_2002/Globalization_and_Maritime_Power_Dec_02/09_ch08.htm>.
42. "Persian Gulf Maritime Mishap," *Navy Newsstand*, 7/23/2004. <http://www.news.navy.mil/search/display.asp?story_id=14399>.
43. Jim Krane, "U.S. Submarines, Japanese Ship Collide," *Associated Press*, January 9, 2007.

۴۴. در سپتامبر ۱۹۹۶، نیروی دریایی آمریکا ۲۰ کشتی و ۲۰۰۰۰ پرسنل در خلیج فارس داشت. پیش از حمله به عراق در ۲۰۰۳، شمار نیروهای آمریکا در خلیج فارس حدود ۱۰۰۰۰ نفر در کویت و سایر قلمروی

کشورهای هم پیمانانش و حدود ۱۴۰۰۰ نفر در ناوها و شناورهای آمریکایی در آبهای خلیج فارس بود. مقر این نیروها در مرکز عملیات مشترک فرماندهی مرکزی (سنت کام) در ریاض و در مقر ناوگان پنجم در منامه بود. رک: U.S. Naval Forces in the Persian Gulf as of September 26, 1996, at: <<http://www.chinfo.navy.mil/navpalib/intl/iraq/iraq02.html>>; and Richard Kugler, "U.S. Defense Strategy and Force Planning," in Richard Sokolsky, (ed.), *The United States and the Persian Gulf: Reshaping Security Strategy in the Post-Containment Era*, Washington D.C: National Defense University, 2003, pp. 84-115.

45. Charles G. MacDonald, "Iran's Strategic Interests and the Law of the Sea," *Middle East Journal*, Vol. 34, No. 3, Summer 1980, pp. 302-322, p. 319-320.

46. "US Naval Ships berth at Jebel Ali," *Khaleej Times*, 10 September 1995, p. 3.

این معاهده در فوریه ۱۹۶۷ برای ایجاد منطقه عاری از سلاحهای کشتار جمعی در شهر مکزیکو به امضا رسید؛ و هم اکنون ۳۳ کشور آمریکای لاتین و کارائیب و پنج کشور عضو دایم شورای امنیت آن را به تصویب رسانده اند. برای شرح ویژگیهای این معاهده و نهاد وابسته به آن، رک:

<http://www.opanal.org/opanal/Tlatelolco/status_i.htm>, Access on January 24, 2007.

۴۷. «واکنش سخنگوی وزارت خارجه به اظهارات اخیر مقامات کویتی»، سایت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۲۹ آبان ۱۳۸۵، در:

<http://www.mfa.gov.ir/output/INDEX_FARSI.HTM>

48. Emily B. Landau, "Taking a Stand on Nuclear Iran: Voices from the Persian Gulf," *Tel Aviv Notes*, No. 157, January 16, 2006.

49. "Israel and US begin Military Exercises," *BBC News*, February 19, 2001.

50. Frida Berrigan and William D. Hartung, *U.S. Weapons at War 2005: Promoting Freedom or Fueling Conflict? U.S. Military Aid and Arms Transfers Since September 11*, Washington D.C: World Policy Institute, June 2005; and Frida Berrigan and William D. Hartung, "Who is Arming Israel?" *FPIF Commentary*, July 26, 2006, p. 1, based on U.S. Department of Defense, *Factbook: Department of Defense, Security Assistance Agency*, September 30, 2006.

51. "Kuwait and France begin Military Exercises," *BBC News*, 12 February 2000, at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/640721.stm>.

52. "The UK's Military Options," *BBC News*, September 17, 2001.

53. "GCC Members make Tangible Security, Military Accomplishments," *Kuwait News Agency*, December 7, 2006.

54. "Armed Forces of GCC Countries to hold Joint Exercises," *Khaleej Times*, 16 January 2007.

55. "Iran includes all its Submarines in Naval Exercises in [Persian] Gulf," *BBC News*, 12 April 1998.

56. "Iranian Military Exercises on Afghan Border," *BBC News*, September 30, 1998, at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/183915.htm>.

57. "Iran to Stage Huge Naval Exercises in the [Persian] Gulf," *BBC News*, November 21, 1998.

58. "Iranian Exercises near the [Persian] Gulf Flashpoint," *BBC News*, February 27, 1999.

59. "UAE Slams Iran over the [Persian] Gulf Tension," *BBC News*, September 11, 1999.

60. "Khatami concludes Historic [Persian] Gulf Tour," *BBC News*, May 20, 1999.

61. "Saudi, Iranian Leaders issue Joint Statement," *BBC News*, May 19, 1999.

62. ECO Secretary General expounds on ECO Development Programs, *IRNA*, February 14, 2005.

۶۳. طبق آمار رسمی اکو، ۱۰ کشور عضو آن با جمعیت حدود ۳۸۰ میلیون در ۲۰۰۴ و نیروی کار ۷۸ میلیونی به طور میانگین دارای درآمد سرانه ۱۵۴۸ دلار در ۲۰۰۴ بودند که از متوسط درآمد سرانه ۶۳۲۱ دلاری جهان بسیار پایین تر به شمار می آید. با این حال، نیروی کار ماهر، بازار گسترده تر، تشابه فرهنگی و توسعه کیفی در این کشورها می تواند مکمل ثروت نفتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس باشد. برای آمارهای توسعه اکو، رک:

<http://www.ecosecretariat.org>.

64. R. Nicholas Burns, Under Secretary for Political Affairs, *United States Policy Toward Iran*, Opening Statement Before the House International Committee, Washington DC, 8 March 2006, at: <<http://www.state.gov/p/us/rm/2006/62779.htm>>.

65. Ibid.

66. Ibid.

67. John D. Negroponte, Director of National Intelligence, "Threats, Challenges, and Opportunities for the United States," Annual Threat Assessment to the Senate Armed Services Committee, Washington D.C, 28 February 2006.

68. "US Works to Contain Iran in the [Persian] Gulf: Report," *Agence France Presse*, May 20, 2006.

69. "Gates Assures Saudi King on Iraq," *Agence France-Presse*, January 18, 2007.

70. Rowan Scarborough, "U.S. Beefs up Force to Calm [Persian] Gulf Fears," *Washington Times*, January 16, 2006.

71. Jacques de Lestapis, "Striking a Strategic Security Balance," *Jane's Defense Weekly*, 29 July 1995, pp. 23-24; and Tony Banks and et al., "Buying Security from the West," *Jane's Defense Weekly*, 28 March 1992, p. 534.

72. Eric Schmitt, "U.S. and Kuwait Sign Pact on Troops," September 20, 1991.

۷۳. عربستان و انگلستان قرارداد دفاعی به ارزش ۱۰ میلیارد پوند امضا کردند، «خبرگزاری دانشجویان ایران»، ۲۷ مرداد ۱۳۸۵.

۷۴. نفوذ فزاینده منطقه ای ایران عامل افزایش بودجه نظامی عربستان سعودی، «خبرگزاری دانشجویان ایران»، ۲ مرداد ۱۳۸۵.

۷۵. قرارداد نظامی ۱/۵ میلیارد دلاری آمریکا با عربستان، «خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)» ۲۸ آبان ۱۳۸۵.

۷۶. آمریکا برای کمک به عربستان سعودی جهت مبارزه با تهدیدها علیه پالایشگاههای نفت این کشور اعلام آمادگی کرد، «خبرگزاری دانشجویان ایران»، ۲۶ آبان ۱۳۸۵.

۷۷. در پی بالاگرفتن موضوع معامله تسلیحاتی عربستان، انگلیس را به قطع رابطه تهدید کرد، «خبرگزاری دانشجویان ایران»، ۲۷ آذر ۱۳۸۵.

78. "Minister Responsible for Defence Affairs Agreement," *Oman News Agency (ONA)*, January 15, 2007.

۷۹. نباید این واقعیت را نادیده گرفت که آمریکا در سه دهه گذشته به طور مستمر دولتهای عرب خلیج فارس را به خریدهای تسلیحاتی بزرگ و پرهزینه ای که چندان نیز توازن منطقه را به ضرر اسرائیل بر هم نزنند تشویق کرده است، رک:

"U.S. Pushes [Persian] Gulf States to Allow Big Dumps," *Compass Newswire*, May 1, 1995.

80. Riad Kahwaji, "GCC: Learning from the Past," *Bitterlemons-International*, Internet Edition 44, Volume 3, December 8, 2005.

81. Joshua Teitelbaum, "The [Persian] Gulf States and the End of Dual Containment," *MERIA*, Vol. 2, No. 3, September 1998.

82. Unofficial Translation of The Closing Statement of the Twenty-sixth Session of the Supreme Council of the Cooperation Council for the Arab States of the [Persian] Gulf (GCC), Abu Dhabi United Arab Emirates (UAE), 18-19 December 2005, at: <http://www.gcc-sg.org/sessions/cs026.html>

83. Unofficial translation of The Closing Statement of the Nineteenth Session of the GCC Supreme Council, The State of the United Arab Emirates (UAE) Abu Dhabi,

7-9 December 1998, at: <<http://www.gcc-sg.org/sessions/cs019.html>>.

84. Juan A. Alsace, "In Search of Monsters to destroy: American Empire in the New Millennium," *Parameters*, 2003, p. 1.

۸۵. «سفیر سابق عربستان از آمریکا خواست با ایران مذاکره نکند»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۴ آذر

۱۳۸۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی